

### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب / ۱۳۶۸/۰۹/۲۹

هرجا شما اختلاف دیدید، جستجو کنید، بدون دشواری شیطان را در آنجا خواهید یافت، یا شیطانی را که در درون نفوس خود ماست و نفس اماره نام دارد و خطرناکترین شیطانها هم است، پیدا خواهید کرد. بنابراین، پشت سر همه‌ی اختلافات، یا خودخواهیها و جاه‌طلبیها و منیتهای ماست و یا شیطانهای خارجی، یعنی دستهای دشمن و استکبار و قدرتهای ظالم و ستمگر.

### دیدار جمعی از اینترگران و خانواده‌های شهدا / ۱۳۷۰/۰۷/۱۷

ما ملت ایران باید به تهذیب نفس همت کنیم؛ خودمان را بسازیم، خودمان را تطهیر و پاکیزه کنیم و نفوسمان را با خدا آشنا نماییم. این جهاد، بزرگتر از هر جهاد ظاهری، با هر دشمنی و با هر عظمتی است. همه‌ی انبیای الهی آمده‌اند تا انسان را بسازند، او را از دست منیتهای خود نجات بدهند و از شر وسوسه‌های درونی خودش خلاص کنند. این شجاعت و این قدرت باید در ما به وجود بیاید، تا بتوانیم بر وسوسه‌های درونی خودمان غلبه کنیم و با هوای نفس خودمان - با آن شیطانی که در وجود ماست و اسم آن «من» است - مبارزه نماییم.

هر کدام از ما در درون خودمان و از وجود خودمان شیطانی داریم که همان «من» ماست، همان منیت ماست، همان خودخواهیها و هوسها و هوسرانیهای ماست. چه چیزی ما را از دست این شیطان نجات خواهد داد؟ جز اراده‌ی دینی و ایمان قوی و دلی که با تزکیه و اخلاق الهی آشنا شده باشد؟ این، خیلی قوت و شجاعت لازم دارد. شجاعت این مبارزه، بیشتر از شجاعت مبارزه‌ی با هر دشمن بیرونی است.

آنهايي که در مبارزه‌های با دشمنان بزرگ پیروز می‌شوند، کسانی را به خاک می‌نشانند و قدرتهایی را نابود می‌کنند، گرفتاری بزرگشان در مبارزه با نفس خودشان است. این غروری که به ما دست می‌دهد، این هوس و شهوتی که به ما عارض می‌شود، این غفلت و نسیان از یاد خدا که ما را فرا می‌گیرد، این شیطان‌صفتی‌بی که در معامله با برادرانمان، با جامعه‌مان و با حوادث دوروبرمان به ما عارض می‌شود، آن شیطان درونی است؛ این است که باید آن را علاج بکنیم. بشر بیشترین ضربه را از همین هوس درونی و منیت خود خورده است. ذلت انسان هم ناشی از این است، تکبر انسان هم ناشی از این است. هم قدرتهای استکباری و فرعونها ضربه‌ی این منیت و فرمان نفس خودشان را خورده‌اند، هم آنهايي که زیر بار فرعونها رفتند.

چرا انسانهایی تن به مبارزه‌ی با طاغوت نمی‌دهند؟ چرا کسانی جرات نمی‌کنند با امریکا بجنگند؟ چه چیزی مانع آنهاست؟ همین شیطان درونی؛ همینی که می‌خواهد دو روز بیشتر زنده بماند، راحت‌تر زندگی کند و راحت‌تر بخورد و بیوشد.

چرا در گذشته بسیاری از دانشمندان و افراد برجسته‌ی اجتماع، اسیر و دستخوش خواست قدرتهای استکباری شده بودند، و حالا هم در کشورهای مختلف می‌شوند؟ چون اسیر نفس و راحت‌طلبی خودشان هستند. کسانی که اسیر راحت‌طلبی و شهوات نفسانی خودشان می‌شوند، اگر عالم و دانا باشند، خطر و ضررشان بیشتر، و لغزششان خطرناکتر است.

خدای متعال در قرآن کریم، «بلعم باعورا» را برای ما مثال می‌زند: «و لکنه اخلد الی الارض و اتبع هواه»؛ انسانى که با معارف الهی آشنا بود، اما به زمین چسبید؛ یعنی برای دو روز بیشتر زندگی کردن و راحت‌تر خوردن، به زندگی خاکی، به هوسها و به خواستههای نفسانی خود چسبید. نتیجه‌ی این کار، پستی بود.

هم دولتهایی که در مقابل قدرتهای استکباری حرف خود را نمی‌زنند و از ملتهای خود دفاع نمی‌کنند، اسیر نفس خود، اسیر دو روز بیشتر سلطنت کردن و دو روز بیشتر در تخت قدرت باقی ماندن هستند، هم آن توده‌های مردمی که در مقابل قدرتهای استکباری قیام نمی‌کنند؛ آنها هم اسیر همان یک لقمه غذایی هستند که می‌خواهند از راه راحتی به آنها برسند؛ هیچ چیز دیگر برایشان مطرح نیست؛ این هم نفس است. پس ببینید، جهاد اکبر این است. اگر ملتی بخواهد راه عزت و شرف را، راه خدا را، راه زندگی بهتر را، راه رسیدن به آرمانهای مادی و معنوی را طی بکند، باید بر نفس خود مسلط باشد.

امروز ملت ما تجربه‌های بزرگی را گذرانده است؛ اما یکایک ما آحاد این ملت - و بیش از همه خود بنده، که از همه محتاج‌ترم - باید خودمان را اصلاح کنیم؛ باید با نفس خودمان مبارزه کنیم و با شیطان درونی خودمان بجنگیم، تا برای ادامه‌ی این راه باعظمت و باعزت - یعنی راه پیامبران - آماده بشویم. این شجاعت، بالاترین شجاعتهاست.

### بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان / ۱۳۷۰/۰۸/۲۰

دشمنان انواع و اقسامی دارند؛ دشمن خارجی و دشمن داخلی. گاهی در درون هم دشمن هست. دشمن داخلی - آن چهره‌ی نفاق‌آلوده - را هم باید شناخت. در مقابله‌ی با این دشمنان گوناگون، امید به شماهاست. شما هستید که باید مثل بنیان مستحکمی، در مقابل این دشمنان بایستید.

### بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۱/۰۱/۱۵

احتمالا، بشر دو نوع موانع بر سر راه خود دارد؛ یکی موانعی است که درون وجود خود او قرار دارد و دیگر، موانعی که بیرون از وجود اوست و در داخل شخصیت و روان او نیست. هر دو نوع این موانع، خطرناک و باز دارنده‌ی حرکتند. از موانع درونی انسان، می‌توان به «خلقیات فاسد» اشاره کرد. مثلا در راه تکامل، خودخواهی انسان یک مانع است. خودپرستی و خودبینی - که انسان فقط شخص خود را به حساب بیاورد و دیگران را به چیزی نشمارد - مانع بزرگی در راه تکامل انسان است که در او حسد، طمع، حرص و برادرکشی ایجاد می‌کند. انسان مبتلا به این گرفتاریها، بسیاری از جنگها را به راه می‌اندازد و بسیاری از ظلمها و نامردمیها را به وجود می‌آورد. منشا همه‌ی اینها، خودخواهی است.

از جمله موانع دیگری که انسان را از راه کمال باز می‌دارد، تنبلی، تن‌پروری، بی‌اعتنایی به کار و بی‌شوقی نسبت به حرکت است. شما در دعای شب اول ماه رمضان می‌خوانید: «اللهم اجعلنا ممن نعمل و لا تجعلنا ممن شقی فکسل و لا ممن هو علی غیر عمل یتکل». ببینید چه عبارتهای پر مغز و چه درسی در پوشش دعاست! دعا کننده از این‌که جزو کسانی باشد که دچار کسالت و بی‌عملی هستند، به خدا پناه می‌برد. نمی‌خواهد از جمله کسانی باشد که می‌خواهند، اما عمل نمی‌کنند و انتظار دارند بدون کار کردن نتیجه بگیرند و بدون کشتن بذرند. «و لا تجعلنا ممن شقی فکسل و لا ممن هو علی غیر عمل یتکل». می‌گوید: خداوند! مرا جزو کسانی که فقط به آرزو تکیه می‌کنند و به عمل و تلاش نمی‌پردازند، قرار مده.

شما به جوامع عقب افتاده‌ی عالم - از جمله جوامع اسلامی خود ما در کشورهای متعدد - نگاه کنید! یکی از رازهای عقب افتادگی و انحطاط این کشورها - از لحاظ مادی و معنوی - این است که عمل در زندگی‌شان، نقش زیادی ندارد. اینها دردها و مرضهای درونی است اینها موانع درونی انسان است که او را از کار باز می‌دارد. از جمله، شهوت‌رانی یا میل به شهوات؛ که هر چه می‌خواهد انجام دهد، فکر عاقبت را نکند و دنباله رو هوی و هوس خود باشد. در روایت معروفی نقل شده است که فرموده‌اند: «ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان، اتباع الهوی و طول الامل»؛ ترسناکترین بلایی که از ابتلای شما مسلمانان به آن می‌ترسم، این است که دنباله رو هوای نفس خودتان باشید؛ یعنی شهوت‌رانی کردن و شهوات را بر عقل مسلط ساختن. اینها همه موانع درونی انسان است.

یک نوع موانع هم، خارج از وجود انسان است. مثلا حکومتهای ظالم و دیکتاتور، در طول تاریخ مانع تکامل انسانها بوده‌اند. سرمایه‌داران بزرگ و زراندوز که همه‌ی تلاش خود را صرف این می‌کرده‌اند که خود به نوایی برسند، دیگران را برای رسیدن به مقاصد خود استخدام و استثمار می‌کردند. اینها جزو موانع کمال بشرند. فساد آنها، ظلم آنها، قدرت آنها، پول آنها، شلاق آنها، شمشیر آنها، امروز بمب اتم آنها، موشکهای بالستیک آنها، سیاستهای پیچیده آنها، توطئه‌های تبلیغاتی آنها، نیروهای نظامی آنها، همه و همه، موجب می‌شود که میلیاردها انسان، از راه کمال باز بمانند. در کشورهایی هم که سلاطین مستبد بر انسانها حکومت می‌کنند، یا حکام وابسته به اجانب و قدرتها زمام امور را در دست دارند، انسانها نمی‌توانند راه کمال را بپیمایند. وقتی نظام اجتماعی، غلط و ظالمانه است و براساس

صحیحی استوار نیست؛ وقتی انسانها از حکومت سالم، قانون درست و رجال مومن و دلسوز برخوردار نباشند، در چنین شرایطی انسان نمی‌تواند به تکامل برسد.

#### بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۱/۰۱/۱۵

به همه‌ی ملت ایران توصیه می‌کنم که موانع راه را شما باید بردارید. راه برای ما روشن است؛ موانع راه هم برای ملت ایران روشن است. باید این موانع را بردارید؛ هم موانع درونی و هم موانع بیرونی را. موانع درونی را باید با تضرع به درگاه پروردگار، با دعا، با توجه، با تربیت و تهذیب نفس، با تقویت اخلاق، با عبادت و با توسل، از پیش پا بردارید. اگر دل ما سالم نباشد، نمی‌توانیم دنیای سالمی درست کنیم. اگر در درون خودمان معیوب باشیم، نمی‌توانیم عیب جامعه و جهان را برطرف کنیم. ملت ایران بار سنگینی بردوش دارد و باید آن را به منزل برساند. باید دنیایی بسازد که هم برای خودش شیرین باشد و هم برای جوامع دیگر، شما می‌توانید چنین کاری کنید؛ اما شرطش این است که هر یک از ما، درصدد تهذیب نفس خودمان باشیم. نماز با توجه، انس با قرآن، دعا و توسل، تضرع، روزه‌ی ماه رمضان و عبادات نیمه‌شب، مخصوصا برای جوانان، که تاثیرپذیریشان زیاد است، می‌تواند مذهب نفس باشد.

#### بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۱/۰۱/۱۵

و اما، موانع بیرونی. امروز سنگر اصلی در سطح عالم، جمهوری اسلامی است. این سنگر را باید محکم نگه دارید. با چه چیز؟ با اتحاد و اتفاق؛ با همدلی میان آحاد مردم و میان مردم و مسوولین کشور؛ با همدلی میان مردم و دولت، میان مردم و مجلس، میان دولت و مجلس، میان کارگزاران کشور و میان آحاد مردم. گروههای مختلف، جناحهای مختلف، سیاستها و جهتگیریهای مختلف، در مقابله با دشمن، باید با هم باشند و کاری نکنند که دشمن سو استفاده کند. اختلاف سیاسی مانعی ندارد؛ اختلاف نظر مانعی ندارد؛ مبارزات انتخاباتی به شکل سالم، مانعی ندارد؛ اما خراب کردن یکدیگر، خراب کردن چهره‌ی کشور، خراب کردن ذهن مردم و چهره‌ی مسوولین دلسوز، اشکال دارد. ایجاد سوال و ابهام در ذهن مردم، اشکال دارد. با وحدت و یکپارچگی، «کانه‌ی بنیان مرصوص»، مثل یک دژ پولادین، در مقابل دشمن بایستید؛ مثل چند برادر در یک خانه. ممکن است دو برادر از یکدیگر کدورت و کله هم داشته باشند، اما در مقابل کسی که به خانه‌ی آنها حمله می‌کند، دوش به دوش، باید در کنار هم بایستند. آحاد ملت باید این گونه باشند. این، یکی از ویژگیهای است که در این سنگر می‌توانید حفظ کنید.

#### بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۱/۱۱/۰۶

این دو نوع دشمن [دشمنان خارجی و اضمحلال داخلی] - آفت برونی و آفت درونی - برای هر نظامی، برای هر تشکیلاتی و برای هر پدیده‌ای وجود دارد. اسلام برای مقابله با هر دو آفت، علاج، معین کرده و جهاد را گذاشته است. جهاد، مخصوص دشمنان خارجی نیست. «جاهد الکفار و المنافقین». (۱) منافق، خودش را در درون نظام قرار می‌دهد. لذا با همه‌ی اینها باید جهاد کرد. جهاد، برای دشمنی است که می‌خواهد از روی بی‌اعتقادی و دشمنی با نظام، به آن هجوم بیاورد.

#### بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۱/۱۱/۰۶

همچنین، برای مقابله با آن تفکک داخلی و از هم پاشیدگی درونی، تعالیم اخلاقی بسیار با ارزشی وجود دارد که دنیا را به‌طور حقیقی به انسان می‌شناساند و می‌فهماند که «اعلموا انما الحیوه الدنیا لعب و لهووزینه و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد» (۱) تا آخر. یعنی این زر و زیورها، این جلوه‌ها و این لذت‌های دنیا اگرچه برای شما لازم است؛ اگرچه شما ناچارید از آنها بهره ببرید؛ اگرچه زندگی شما وابسته به آنهاست و در این شکی هم نیست و باید آنها را برای خودتان فراهم کنید؛ اما بدانید که مطلق کردن اینها و چشم بسته به دنبال این نیازها حرکت کردن و هدفها را به فراموشی سپردن، بسیار خطرناک است.

#### بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر / ۱۳۷۳/۱۲/۱۱

همه‌ی همت انبیا و اولیا و اوصیا و صالحین و صدیقین، این بوده است که انسان، دشمن درونی خود را که نفس اماره‌ی اوست، کشف کند و از آن بپرهیزد. این، راز بزرگ دست یافتن به مقامات و مراتب معنوی و الهی است. انسان از این رهگذر است که می‌تواند از فرشته هم بالاتر برود. امروز همان روز است، عزیزان من! همه‌ی ما - کسانی که این ماه مبارک رمضان را پشت سر گذاشته‌ایم - ان‌شاءالله به قدر همت و استعداد خود از آن ضیافت و سفره‌ی گسترده‌ی الهی استفاده کرده‌ایم و هرکس توشه و دستاوردی از ماه رمضان برده است. با اتکا به این دستاورد، بیایید همه‌ی ما از امروز سعی کنیم بخشی از عیبهای درونی و نفسانی را از خودمان دور سازیم.

#### پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۷۵/۰۲/۰۲

افراد و مجموعه‌های بشری همواره از دو سو آسیب می‌بینند، اول از درون خود که منشا آن ضعفهای بشری و هوسهای مهار گسیخته و تردیدها و بی‌ایمانی‌ها و خصلتهای منهدم کننده است، و دوم از دشمنان بیرونی که بر اثر طغیان و افزون طلبی و تجاوز و ددمنشی، محیط زندگی را بر انسانها و ملتها تنگ و فشار آلود می‌سازند و با جنگ و ظلم و تحمیل و زورگویی، بلاي جان آنان می‌شوند. محیط اسلامی - چه افراد و چه ملتها - همواره در معرض این دو گونه تهدید قرار داشته و امروز بیش از همیشه قرار دارد. ترویج متعمدانه‌ی فساد در کشورهای اسلامی و تحمیل فرهنگ غربی که از سوی برخی رژیم‌های وابسته نیز به آن کمک می‌شود و از رفتار فردی تا شکل شهرسازی و محیط عمومی زندگی و مطبوعات و غیره را در بر می‌گیرد، از یکسو و فشارهای نظامی و سیاسی و اقتصادی بر بعضی ملتهای مسلمان و کشتارهای لبنان و فلسطین و بوسنی و کشمیر و چینستان و افغانستان و غیره از سوی دیگر، شاهد بارز وجود این دو گونه تهدید در محیطهای اسلامی است.

#### بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی / ۱۳۷۶/۰۹/۱۸

برادران! بیایید ما برای آیندگان، میراثی از این افتخارآمیزتر به ارث بگذاریم. در بررسی عوامل بیرونی وضع کنونی، من تهاجم جبهه‌ی استکبار را، از همه موثرتر می‌یابم. در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه‌ی قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر تواناییهای سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی - یعنی ملتها و دولتها و کشورها - را با سیطره‌ای قلدراسته و تحقیر آمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد؛ در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست اندازی می‌کند؛ به دولتها زور می‌گوید و به ملتها ستم می‌ورزد و به فرهنگها و سنتهای آنان، اهانت روا می‌دارد. مثالهای بارز آن را استعمار کهن و سپس استعمار نو و اخیرا تهاجم همه جانبه‌ی سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی و حتی نظامی، از سوی استعمارگران دیروز و وارثان آنها، در برابر چشم ملتهای ما نهاده و طعم تلخ آن را به ایشان چشاندند است. قدرتهای غربی در این تهاجم موثر، از پیشرفت علم و تکنولوژی و از برخی خصال ملی و بومی خود بهره برده‌اند. ما دشمن را ملامت نمی‌کنیم. کسانی سزاوار ملامتند که با کوبه بینی و راحت طلبی و خود خواهی، زمینهای پیروزی دشمن و زوال خویش را فراهم ساختند. غرب در تهاجم همه جانبه‌ی خود، ایمان و خصال اسلامی ما را نیز هدف قرار داد و در سایه‌ی متاع دانش خود که همه بدان احساس نیاز می‌کردند، فرهنگ اباحیگری و بی‌مبالاتی در دین و اخلاق را - که خود دچار آن است - مصرانه به جوامع ما صادر کرد. بی‌شک این لجنزار اخلاقی، روزی که چندان دور نیست، تمدن کنونی غرب را در خود فرو خواهد برد و محو خواهد کرد. دنیای اسلام، امروز بر اثر آن تهاجم خصمانه، به اضافه‌ی عوامل درونی نسلهای گذشته، در وضعی مصیبت‌بار است. فقر و جهل و عقب‌ماندگی علمی و ضعف اخلاقی و از همه بدتر تسلط فرهنگی و بعضا سیاسی دشمنانش بر آن، از یک سو و گرفتاریهای بزرگی از قبیل مساله‌ی فلسطین و مسائل افغانستان، لبنان، عراق، کشمیر، بوسنی و هرزگوین، قفقاز و غیر آن از سوی دیگر، فهرست بلندی از

مسئولیت‌های الهی و انسانی را در برابر حکومتها و شخصیت‌های سیاسی و رهبران جهان اسلام قرار داده است.

### بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۶/۱۰/۰۳

باید درس اخلاق بگویید، درس اخلاق سیاسی هم بگویید، درس اخلاق و معنویت هم بگویید، تحلیل سیاسی هم بدهید، دشمن درونی را هم - که نفس اماره یا شیطان رجیم است - معرفی کنید، دشمن اجتماعی را هم - که شیطان بزرگ یا شیطانهای گوناگونند - معرفی کنید، ایادی و اذنان شیطان را هم معرفی کنید. وقتی معنای عبودیت الهی این شد که انسان از «انداد الله» اجتناب کند و تبری جوید، باید از همه‌ی اشکال آن تبری جوید. «انداد الله»، یک وقت نفس پلید انسانی است که درون اوست؛ «نفسک التی بین جنیک». یک وقت شیطان است که در دعای صحیفه سجاده می‌گوید که «او را در وجود من مستقر کردی و به چیزی که مرا از آن متمکن نکردی، تمکن بخشیدی». یک وقت هم شیطانهای قدرتمند عرصه‌ی سیاسی‌اند که برای اغوا و راهزنی و تسلط و ضربه زدن و به جهنم کشاندن ملت‌ها و شعوب بشری منتظر نشسته‌اند. «انداد الله» اینها نیستند، دعوت به عبودیت، نفی اینها را می‌طلبد؛ چاره‌ای ندارد.

### بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب / ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

یک نکته‌ی دیگر این است که در آسیب‌شناسی انقلاب، باید نقش عوامل درونی و بیرونی، هر دو ملاحظه بشود. البته این جا دو افراط وجود دارد که من مایلم ذهن خودم را همواره از هر دو افراط، رها کنم و ذهن مردم را هم برحذر بدارم که دچار این دو افراط نشوند. یکی این که ما عوامل بیرونی را عمده کنیم و از عوامل درونی غافل بمانیم؛ دیگری به عکس، عوامل درونی را عمده کنیم و از عوامل بیرونی غافل بمانیم. الان کسانی هستند که به هر دو این افراط‌ها هم مبتلا هستند؛ هر دو عامل، جدا وجود دارد. اگر انسان نگاه کند، می‌بیند که عوامل بیرونی، دشمنی دشمنان انقلاب از هر دو جهت است.

### بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب / ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

ببینید، پس ما دو جور دشمن در داخل داشتیم. در انقلاب شوروی، سرمایه‌دارها، زمین‌دارها و این‌گونه افراد با انقلاب، مخالفت کردند؛ اما یک مشت روشنفکرهایی بودند که نان و آبی از رژیم گذشته‌ی شوروی عایدشان نمی‌شد، بعد هم با این رژیم، کنار آمدند و این رژیم هم زرنگی کرد و جلبشان کرد. لذا می‌بینید روشنفکرهایی که حتی در برهه‌ی، ناراضی بودند، جزو رژیم جدید شوروی شدند و با آن همکاری کردند؛ برایش کتاب نوشتند! کتابهایشان الان هست؛ همان روشنفکرهای قبلی بودند - رمان نویس، شاعر، موسیقی‌دان و غیره - همه همکاری کردند! در ایران نه، کسانی بودند که از لحاظ آسیب دیدن از برخورداریهای مادی، هیچ مشکلی با انقلاب نداشتند، تنها از لحاظ این‌که یک حکومت دینی بود و آنها از دین، لجنشان می‌گرفت و دین را قبول نداشتند، با انقلاب، مقابل شدند! این یکی از مسایل و حقایق قابل توجه است؛ چون انقلاب، مدعی و مروج دین بود و مردم را به دینداری سوق می‌داد و آنها تحت تاثیر فرهنگ غربی، یا تفکرات گوناگون - و به قول خودشان گرایش به ایدئولوژیها و مکتبهای گوناگون - با دین، میانه‌ی نداشتند، قبول نداشتند. در صورتی که حکومت‌هایی بودند که اصلاً انگیزه‌های استعماری نداشتند، نمی‌توانستند هم داشته باشند؛ اما به هر دلیلی - چه به دلایل سیاسی، چه به دلایل عقیدتی - که با دین مخالف بودند، با انقلاب اسلامی، مخالف شدند! لذا یک چنین صف‌آراییهای عظیمی در مقابل کشور ما شده است؛ الان هم ادامه دارد! اینها عوامل بیرونی هستند که همه، روی تضعیف انقلاب، کار کردند! شما خیال نکنید اینها بی‌کار نشستند؛ اینها همه کار و تلاش کردند، تا جنگی شروع شد و همه به دشمن ما در آن جنگ، کمک کردند!

### بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب / ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

خوب، این دشمنیها با انقلاب، الان هم وجود دارد، الان هم هست، الان هم سرمایه‌های زیاد و پولهای بسیاری دارد صرف می‌شود. بعضی از این موارد را اخیراً آمریکاییها به خاطر این که قدری وقیحتر شده‌اند، اظهار می‌کنند؛ لیکن خیلی بیشتر از این را نمی‌گویند! مثلاً بیست میلیون دلاری را که در مجلسشان رسماً تصویب کردند؛ ولی خرج‌هایی می‌کنند که خیلی بیشتر از این حرف‌هاست! علیه انقلاب، تبلیغاتی سازمان یافته‌ی دارد می‌شود؛ کار مطبوعاتی، کار سیاسی و کار دیپلماسی بسیار قوی دارد می‌شود؛ عوامل آنها در داخل هم هستند؛ که این هم جزو عوامل بیرونی است. من که می‌گویم عوامل بیرونی، حتی کسانی منظور است که از آنها الهام می‌گیرند و در داخل، علیه انقلاب کار می‌کنند، یا قلم می‌زنند، یا توطئه می‌کنند، یا ضربه‌ی اقتصادی و ضربه‌ی سیاسی می‌زنند! این عوامل است؛ نباید اینها را ندیده گرفت. هرکس اینها را توهم بداند - کما این که کسانی می‌خواهند بگویند اینها توهم است - مثل کسی است که شب در جنگلی قرار گرفته، اطرافش را گرگ‌ها احاطه کرده و منتظر یک لحظه غفلت او هستند، تا او را بدرند، ولی او بگوید که من خیال می‌کنم! خیلی خوب، خیال می‌کنی، بگیر بخواب! کسی غیر از خودت که ضرر نخواهد دید. لذا با «خیال می‌کنم»، این دشمن موجود و مترصد، از دست نخواهد رفت. این یک طرف قضیه است. طرف دیگر هم عوامل درونی است. عوامل درونی، یعنی مواردی که در درون خود ما انقلابیون و ما مومنین است؛ اینها کم نیست، زیاد است. من می‌خواهم عرض کنم که اگر ما این آسیب‌های درونی را علاج نکنیم، آن آسیب‌های بیرونی، مشکلی برای ما به‌وجود نخواهد آورد. ببینید، قرآن به طور صریح در این زمینه با ما حرف می‌زند؛ می‌گوید: «ذلک بان‌الله لم یک مفیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم»؛ نعمتی که خدا به شما داد، محال است از شما بگیرد، مگر شما شرایط خودتان را عوض کنید. چون نعمت الهی، بی‌حساب و کتاب نیست؛ خدا تحت شرایطی نعمتی را به کسی می‌دهد. اگر آن شرایط را حفظ کردید، محال است که نعمت، از بین برود و پس گرفته بشود. این جزو مضامین و مسلمات و بنیاد دعاهای ماست. انسان در صحیفه‌ی سجاده و جاهای دیگر که نگاه می‌کند، برایش مسلم می‌شود که این‌جوری است؛ خدا نعمت را نمی‌گیرد، مگر ما آن شرایط را عوض کنیم. الان این اتفاق، روشن است، این چراغها الان دارند نور می‌دهند؛ چرا؟ لابد شرایطی وجود دارد، سیم‌هایی، امکاناتی و فضایی هست؛ اگر اینها تغییر پیدا کند، طبیعی است که این هم نخواهد بود. این چیز واضحی است. تقدیر الهی، یعنی اندازه‌گیریهای دقیق پروردگار؛ این لاینفک است. چنانچه ما اندازه‌ها را عوض کردیم، خدای متعال هم نتایج را عوض خواهد کرد. خوب، حالا من دشمن داخلی، یعنی در واقع دشمن درونی را در سه چیز، خلاصه می‌کنم. اعتقاد من این است که همه‌ی این چیزها به این سه چیز برمی‌گردد - در بحث‌های شما هم که نگاه کردم، به خیلی از این موارد، اشاره و درباره‌اش بحث شده است - اگر ما بتوانیم این سه چیز را علاج کنیم، خیلی از مشکلات، حل خواهد شد. اول هم خود من، نمی‌خواهم از کس دیگری اسم بیاورم. بنده یکی از کسانی هستم که در جریان امور این مملکت، نقش دارم. یک مقدار از ضعفها هم در من است؛ در طبقات مختلف مسوولین و در خواص است. هرچه پایین بیایم، نقشها کم‌رنگتر می‌شود. این ایرادها در ماهاست؛ باید آنها را برطرف کنیم. اگر هست، باید برطرف کنیم؛ اگر نیست که چه بهتر! یکی از آنها بی‌ایمانی - ضعف ایمان - است. این آسیب درون است. یکی، سو عملکرد در همه‌ی زمینه‌هاست؛ از جمله در تبلیغ، که جای صحبت از صدا و سیما هم هست. یکی از آنها دنیا طلبی است؛ یعنی مزه‌ی دنیا را با حرص و ولع، در دهان مزه‌زده کردن و چرب و شیرین دنیا را قدر دانستن! به نظر من این سه چیز، عوامل اصلی است و همه چیز، به این سه چیز برمی‌گردد. هر دست‌نگاه، یا هر فردی که موجب این سه چیز بشود، به انقلاب ضربه می‌زند. هر کس موجب گردد که مردم به بی‌ایمانی سوق داده بشوند و ایمان مردم ضعیف بشود، کمک به آسیب‌های انقلاب می‌کند.

اینک این اسلام است که سرفرازتر از همیشه در صحنه‌ی حیات بشر، حضور و قدرت خود را بر همگان آشکار می‌سازد و فروغ امید را در دل انسان رنج‌کشیده‌ی این عصر بر می‌افروزد. و این است بزرگترین سرمایه‌ی امت اسلامی.

ولی در راه بکار گرفتن این سرمایه‌ی بی‌زوال، خطرهای بزرگی کمین گرفته است، و بزرگترین این خطرهای یکی خطر درونی است و دیگری خطری از بیرون. خطر درونی که دشمن قدیمی امت اسلامی است همان کج فهمی و جمود و تجر، یا خودباختگی و التقاط، یا نومیدی و ضعف نفس، یا تردید و وسوسه‌ی فکری، و یا مجموعه‌ی از اینها و امثال آن است. ملت رشید و پیشرو ایران به رهبری امام خمینی عظیم راحل، دشمن درونی را شکست داد و بر آن فائق آمد تا توانست در جبهه‌های سیاسی و نظامی پیروز شود و نظام جمهوری اسلامی را در کشور خود مستقر و در مدت بیست سال در راه آن مجاهدت کند. ولی تا دشمن بیرونی در مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی فعال است، خطر سر برآوردن آن دشمن درونی نیز همواره هست و مسوولان نظام اسلامی در ایران، این را خطری بالقوه بزرگ و جدی می‌شمارند. آنچه ما آن را تهاجم فرهنگی دشمن می‌نامیم و پیوسته مردم هوشیار خود و بیش از همه جوانان را به مجاهدت در برابر آن فرامیخوانیم، همانا کوشش همه جانبه دشمنان ما با استفاده از همه‌ی ابزارهای تبلیغی و خبری و سیاسی و امنیتی برای برانگیختن همین دشمن درونی است.

#### بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش / ۱۳۷۸/۰۱/۲۵

مواظب دشمن باشید. خصوصیت ارتش این است که مراقب دشمن است؛ چون از مرزها همیشه حراست می‌کند. پس، مراقب دشمن بودن، خصوصیتی است که برای ارتش ناآشنا نیست. ارتشیان عزیز! مراقب دشمن باشید؛ نه فقط دشمنی که از مرز حمله می‌کند، بلکه دشمنی که به مرزهای درون وجود ما حمله می‌کند؛ اراده‌ی ما را تضعیف می‌کند، ایمان ما را تضعیف می‌کند، عزم قاطع ما را بر کار کردن تضعیف می‌کند، عمل ما را از خلوص و صفا خالی می‌کند. دشمن حقیقی این است. اگر ما توانستیم با این دشمن دست و پنجه نرم کنیم و بینی او را به خاک بمالیم، آنوقت در مقابل آن دشمن بیرونی دست ما پر است. آن کسی که در میدان جنگ دچار هزیمت می‌شود، قبلا در درون خود دچار هزیمت شده است. اگر در درون خود دچار هزیمت نشویم، در بیرون هیچ دشمنی نمی‌تواند ما را منهدم کند.

#### بیانات در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

تهدیدهایی که متوجه آینده‌ی درخشان ماست، دو نوع است: تهدیدهای خارجی؛ تهدیدهای داخلی. من ابتدا این یک کلمه را بگویم که اگر از داخل، این ملت دشمن نداشته باشد؛ عامل نفوذی نداشته باشد و دو چهرگان در مسائل کشور تخریب نکنند؛ دشمن خارجی نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد. البته توجه کنید که بعضی از تهدیدها از درون خود ما و در میان نفس خود ماست. من می‌گویم هر چیزی که به سلامت و ایمان و عزم و نشاط لطمه بزند و کار و کوشش و تحصیل جوانان را معوق بگذارد، تهدید است. ولنگاری تهدید است؛ بی‌بندوباری تهدید است؛ مواد مخدر تهدید است؛ بی‌اهمیتی به علم و درس و کار تهدید است؛ سرگرم شدن به مناقشات اجتماعی بیهوده تهدید است؛ درگیریهای داخلی تهدید است؛ بی‌اعتمادی به نظام و مسوولان تهدید است؛ البته غفلت مسوولان هم تهدید است؛ برنامه‌ریزی دشمن بیرونی هم تهدید است. یک ملت بیدار، یک ملت آگاه، یک ملت زنده، یک ملت جوان، یک ملت انقلابی مثل ملت ما، باید همه‌ی این تهدیدها را از سر راه خود بردارد.

#### بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۲

همه‌ی کسانی را که اسم آوردیم، معنایش این نیست که اینها با نظام اسلامی معارضا دارند؛ نه. ممکن است معارضه‌ای هم نباشد؛ اما نظام اسلامی نمی‌تواند اینها را نبیند؛ نمی‌تواند حضور اینها را، فکر اینها را، تلاش اینها را، اهداف و انگیزه‌های اینها را که در کنار آن، در مقابل آن، در میان آن حضور دارند، ندیده بگیرد. حکمت و تدبیر برای نظام اسلامی این است که اینها را ببیند؛ اینها را بشناسد و اینها را علاج کند. علاج، معنایش استفاده‌ی از زور و قدرت نیست. تصور نشود که هرچا گفته می‌شود باید این فکر را یا این کار را علاج کرد، یعنی به زور متوسل شد؛ نه. زور مال کسانی است که منطبق ندارند. مجموعه‌ای که منطق دارد، با حربه‌ی استدلال و منطق کاری می‌کند که هیچ حربه‌ی دیگری و هیچ قدرت مادی‌ای نمی‌تواند آن کار را انجام دهد. بنابراین نیاز به زور نیست.

پنجاه‌فکندن این صفوف گوناگون، و این‌که هر کسی بخواهد در نظام اسلامی پنجه بیفکند، چه زمینه‌هایی در درون خود نظام اسلامی، مسوولان نظام، سردمداران نظام، موثران نظام و مردم دارند؟ من چند نمونه‌اش را این‌جا یادداشت کرده‌ام:

یکی از زمینه‌ها، تجر است. نگاه نو به مسائل نکردن، گذران تاریخ و تحول فکر انسانها را ندیده گرفتن، تعالی و ترقی فکر و اندیشه و راههای زندگی را انکار کردن. این تجر است. هر دانشی را که شما نگاه کنید، تعالی و پیشرفت آن دانش، فریادی علیه تجر است. اگر قرار بود ایستایی، پافشاردن بر هر آنچه که عادت کرده‌ایم آن را ببینیم، چیز خوبی باشد، اصول ما هم پیشرفت نمی‌کرد؛ فقه ما هم از هزار سال پیش تا به حال این همه تحولات و پیشرفتها را پیدا نمی‌کرد. در همه‌ی امور زندگی این‌طور است. تجر، یکی از بزرگترین آفات است.

در کنار تجر، ولنگاری فکری و عملی. ولنگاری و بی‌بندوباری، چه در فکر - یعنی این‌که انسان هر آنچه را که در بازار فکر و اندیشه مطرح می‌شود، بدون ارزیابی، بدون نقادی و بدون فهم درست با آن مواجه شود و با زرق و برق، این متاع بسیار حساس را برای خود تهیه کند - و چه در عمل؛ یعنی نقطه‌ی مقابل تقوا. تقوا، همان ضد ولنگاری است. تقوا، یعنی دقت و مراقبت و مواظبت از این‌که هیچ عملی - چه گفتار، چه کردار، عمل جوارح، حتی عمل جوانح - بدون رعایت موازین انجام نگردد. این تقواست. نقطه‌ی مقابلش همین ولنگاری و بی‌بندوباری است. اگر در زمینه‌ی فکر و اندیشه، در زمینه‌ی علوم و در هر زمینه‌ای این ولنگاری باشد، واولیاست! هرچا این روحیه‌ی بی‌بندوباری و ولنگاری وارد شد - که به دنبال آن، سهل‌انگاری در قبول، سهل‌انگاری در عمل، سهل‌انگاری در فهم خواهد بود - آن کسانی که دچار این آفت شوند، وضع و روز خوبی نخواهند داشت.

تقلید کورکورانه‌ی از غرب بخصوص، این هم یکی از آفتهاست. چون تمدن غربی از لحاظ علمی پیشرفت داشته است و زرق و برقی دارد، از او کورکورانه تقلید کنند و هر چیزی از آن‌جا آمد، بپذیرند؛ چه فلسفه، چه اخلاق، چه حرفهای گوناگون.

از جمله‌ی آفتها، طعمه‌جویی است. این آفت بزرگی است. مسند را، مسوولیت را، مقام اجتماعی را و حتی علم را به عنوان طعمه نگاه کند، برای این‌که بتواند به نان و نوایی برسد. این آفت است. فرصت‌طلبی، راحت‌طلبی و خوی شرارت، از این قبیل است. اینها آفتهایی است که وجود دارد. این زمینه‌هاست؛ زمینه‌های درونی، اخلاقی، رفتاری خود ماهاست؛ آن صفبندیهای طبیعی است که در مقابل نظام اسلامی هست.

#### بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه / ۱۳۷۹/۰۷/۱۲

از طرف سوم، دشمن خارجی است. دشمن خارجی نقشش این است که از این امکانات معارضه‌ی با نظام در داخل استفاده کند و آنها را تشدید نماید. بنده گاهی که در صحبتها بعضی کسان را به توطئه‌های دشمن تبه می‌دهم، افرادی می‌گویند: آقا! شما چرا به دشمن خارجی می‌پردازید؟ چرا به مسائل خودمان، به

کمبودهای خودمان اشاره نمی‌کنید؟ حرف باید روشن بشود. اگر دشمن خارجی در مقابل خود کمبودها را، ضعفها را، زمینه‌ها را مشاهده نکند، نمی‌تواند تسلط پیدا کند. این‌که چیز بدیهی و روشنی است؛ بارها هم گفته‌ایم، اصلاً کامیابی دشمن از بیرون در آن صورتی است که در درون صفوف داخل نظام - داخل کشور و داخل جامعه - نقاط ضعف و نقاط خلا وجود داشته باشد. در این‌که شکی نیست. اما دشمن خارجی را نمی‌شود منکر شد. دشمن خارجی می‌آید از همین ضعفها حداکثر استفاده را می‌کند. هیچ انسانی را، هیچ جامعه‌ای را و بیش از همه هیچ مسوولی را کسی مدح نخواهد کرد که دشمن را نبیند؛ تلاش دشمن را نفهمد؛ سو استفاده‌ی دشمن را از ضعفهای خودی بجا نیاورد. آری؛ دشمن خارجی یک حقیقت است؛ منتها دشمن خارجی می‌آید از ضعفهای ما استفاده می‌کند. نظام اسلامی اگر در درون توانسته باشد این ضعفها را برطرف کند، یقیناً دشمن خارجی ناکام خواهد ماند؛ اما وقتی که دشمن خارجی حمله می‌کند، وظیفه‌ی فوری و فوری، مواجهه با اوست. فرض بفرمایید وقتی دشمن به مرزها حمله می‌کند - در تشبیه به این دشمنی جنگ نظامی - وظیفه اول این است که همه بروند جلو او را بگیرند. ما بیاییم بحث کنیم که «علت این‌که دشمن این جنگ را شروع کرد، چه بود؟ ممکن است فلان رفتاری که ما کردیم، فلان پرخشایی که ما کردیم، فلان عمل خلافی که ما کردیم، موجب این شده است»؛ جای این بحثها نیست. هرچه علت بوده است، هر ضعیفی وجود داشته است، الان باید رفت جلوی دشمن را گرفت؛ بعد البته بپردازید علتها را هم برطرف کنید.

#### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

و اما دشمن پنجم. دشمن پنجم عبارت بود از دشمنی که در درون هر یک از افراد مسلمان و مومن وجود داشت. خطرناکتر از همه‌ی دشمنها هم همین است. این دشمن در درون ما هم وجود دارد؛ تمایلات نفسانی، خودخواهیها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزشهایی که زمینه‌ی آن را خود انسان فراهم می‌کند. پیغمبر با این دشمن هم سخت مبارزه کرد؛ منتها مبارزه‌ی با این دشمن، به وسیله‌ی شمشیر نیست؛ به وسیله‌ی تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است. لذا وقتی که مردم با آن همه زحمت از جنگ برگشتند، پیغمبر فرمود شما از جهاد کوچکتر برگشتید، حالا مشغول جهاد بزرگتر شوید. عجب! یا رسول‌الله! جهاد بزرگتر چیست؟ ما این جهاد با این عظمت و با این زحمت را انجام دادیم؛ مگر بزرگتر از این هم جهادی وجود دارد؟ فرمود بله، جهاد با نفس خودتان. اگر قرآن می‌فرماید: «الذین فی قلوبهم مرض»، اینها منافقین نیستند؛ البته عده‌ای از منافقین هم جزو «الذین فی قلوبهم مرض» اند، اما هر کسی که «الذین فی قلوبهم مرض» است - یعنی در دل، بیماری دارد - جزو منافقین نیست؛ گاهی مومن است، اما در دلش مرض هست. این مرض یعنی چه؟ یعنی ضعفهای اخلاقی، شخصیتی، هوسرانی و میل به خودخواهیهای گوناگون؛ که اگر جلوگیری را نگیری و خودت با آنها مبارزه نکنی، ایمان را از تو خواهد گرفت و تو را از درون پوک خواهد کرد. وقتی ایمان را از تو گرفت، دل تو بی‌ایمان و ظاهر تو باایمان است؛ آن وقت اسم چنین کسی منافق است. اگر خدای نکرده دل من و شما از ایمان تهی شد، در حالی که ظاهرمان، ظاهر ایمانی است؛ پابندیها و دلبستگیهای اعتقادی و ایمانی را از دست دادیم، اما زبان ما همچنان همان حرفهای ایمانی را می‌زند که قبلاً می‌زد؛ این می‌شود نفاق؛ این هم خطرناک است. قرآن می‌فرماید: «ثم کان عاقبه الذین اساتوا السواى ان کذبوا بايات الله»؛ آن کسانی که کار بد کردند، بدترین نصیبتان خواهد شد. آن بدترین چیست؟ تکذیب آیات الهی. در جای دیگر می‌فرماید: آن کسانی که به این وظیفه‌ی بزرگ - انفاق در راه خدا - عمل نکردند، «فأعقبهم نفاقا فی قلوبهم الی یوم یلقونه بما اخلفوا الله ما وعده»؛ چون با خدا خلف وعده کردند، در دلشان نفاق به وجود آمد. خطر بزرگ برای جامعه‌ی اسلامی این است؛ هر جا هم که شما در تاریخ می‌بینید جامعه‌ی اسلامی منحرف شده، از این‌جا منحرف شده است. ممکن است دشمن خارجی بیاید، سرکوب کند، شکست دهد و تار و مار کند؛ اما نمی‌تواند نابود کند بالاخره ایمان می‌ماند و در جایی سر بلند می‌کند و سبز می‌شود. اما آنجایی که این لشکر دشمن درونی به انسان حمله کرد و درون انسان را تهی و خالی نمود، راه منحرف خواهد شد. هر جا انحراف وجود دارد، منشاش این است. پیغمبر با این دشمن هم مبارزه کرد.

#### بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۰/۱۲/۱۲

پیمودن این راه، دشمن و مزاحم دارد. بزرگترین دشمن این راه عبارت است از دشمنی که در درون خود ماست و آن دشمن عبارت است از: راحت‌گرایی، غفلت‌گرایی، تنبلی‌گرایی، آسان‌گرایی و تمایل به پرهیز کردن از میدانهای دشوار. این راه، جد و جهد و مجاهدت لازم دارد. تمایلات انحرافی انسانها - تمایل به مال دنیا، تمایل به منطقه‌های انحصاری زندگی، تمایل به شهوات گوناگون - موانع این راه است که بخصوص ما مسوولان و برادران و خواهرانی که در بخشهای مختلف کشور مسوولند، باید به خدای متعال پناه ببریم و مراقب باشیم و به همدیگر تذکر دهیم. این دشمن درونی، البته خطرناکتر از دشمن بیرونی است. این راه، دشمنان خارجی هم دارد. دشمنان بیرونی کسانی هستند که نگاه می‌کنند، می‌بینند ایران اسلامی در حال تبدیل شدن به یک الگو در دنیای اسلام است و آنها نمی‌خواهند این طور شود. می‌دانند که اگر جمهوری اسلامی بتواند مسائل زندگی و مسائل مادی و گره‌های گوناگون را - که در هر کشوری کم و بیش وجود دارد - برطرف و باز کند و به زندگی مردم رونق و شکوفایی بخشد، آن‌گاه مسلمانها گرم و گیرتر به سمت این الگو حرکت می‌کنند. لذا مرتب مانع ایجاد می‌کنند. الان چند سال است که به طور آشکار، در پیشرفت مسائل اقتصادی کشور، دشمنان ما از خارج به شیوه‌های گوناگون مانع ایجاد می‌کنند.

#### بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

همچنان که پیروزی انقلاب و ولادت آن با مقاومت دشمنان روبه‌رو شد، تداوم انقلاب، برپا ماندن و اثربخش شدن آن هم با دشمن و دشمنی‌ها مواجه است. دشمن هم فقط دشمن بیرونی نیست. ما دو دشمن داریم: دشمن اول در درون خود ماست. شاید این دشمن درونی از دشمن بیرونی خطرناکتر هم هست. آلوده شدن به شهوات، حرص به دنیا، دلبسته شدن به منافع فردی، مرعوب دشمنان بیرونی شدن، مایوس شدن از وعده‌ی الهی و تحقق آرمانهای الهی، دشمنان درونی ما هستند. همه‌ی کسانی که در جبهه‌های عظیم مثل جبهه‌ی انقلاب اسلامی به دشمن پشت کرده و فرار می‌کنند، اول در جبهه‌ی دل خود شکست می‌خورند. یا مرعوب می‌شوند یا مجذوب جلوه‌های دنیا یا آلوده به شهوات می‌گردند یا پول و مقام آنها را فریب می‌دهد و یا چهره‌ی چاپلوس دشمن دچار گمراهی‌شان می‌کند. انسان اول در دل خود شکست می‌خورد و هزیمت می‌کند، بعد هزیمت او در جبهه‌ی بیرونی آشکار می‌شود.

دوم، دشمن بیرونی است. دشمن بیرونی عبارت است از آن قدرتهای سلطه‌طلب جهانی که برای تحقق مقاصد خود حاضرند همه‌ی دنیا را به خاک و خون بکشند و جنگهای خونین راه بیندازند، برای این‌که به منافع خود دست پیدا کنند. امروز تهدیدهای امریکا علیه عراق، دیروز علیه افغانستان، در طول این سالیان علیه مردم فلسطین و مردم لبنان را نگاه کنید! عریده‌کشیهای مستکبران عالم را ببینید! اینها جلوه‌های همان دشمن بیرونی است.

در هر جا که دنیا که ملتی بیدار شود، حکومتی خودآگاهی پیدا کند، مردمی به فکر تامین منافع خود و قطع دست زورگویان باشد، دستگاه مرکزی قدرت‌طلب جهانی - که مجموعه‌ای از همین سرمایه‌داران بزرگ و صهیونیستها هستند - مشغول می‌شود تا آن مرکز، آن کانون و آن حرکت را از سر راه خود دور کند. خیلی اوقات موفق می‌شوند، در مواردی هم موفق نمی‌شوند؛ کما این‌که در مورد ملت ایران و انقلاب اسلامی، با اراده و ایمان مردم و با الگوهای ماندگاری که ملت ما از جوانان مبارز و پارسای خود نشان داد، موفق نشدند و تا امروز شکست خورده‌اند. بعضی ناخشنود می‌شوند از این‌که ما در هشدارهای عمومی مردم را به دشمن بیرونی متوجه کنیم. این ناخشنودی ناشی از سطحی‌نگری است. وقتی ما می‌گوییم دشمن بیرونی داریم، معنایش این نیست که ضعفها، اشتباهات، لغزشها و کوتاهی‌های ما در ناکامیهای نظام اسلامی بی‌تاثیر بوده‌است. نخیر؛ این‌طور نیست. قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم: «ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا». نباید اسراف، زیاده‌روی، کوتاهیها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آنها باشیم. اما این نباید ما را از عامل تشدیدکننده‌ی اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند. در همین آیه‌ی شریفه که به ما تعلیم می‌دهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بلافاصله می‌فرماید: «و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین»؛ یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید. اوست که از اشتباهات شما حداکثر بهره را می‌برد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید می‌کند.

در داخل کشور ممکن است خیلی از چیزها به‌طور طبیعی زمینه داشته باشد. فرض کنید فساد و رواج فساد در بخشهایی - چه بخشهای دولتی و چه بخشهای



غیردولتی - یا آلودگیهای شهوانی در بین بعضی از مردم یا بخشهایی از جوانان ممکن است وجود داشته باشد - زمینه‌های طبیعی هم دارد - اما وقتی که دشمن به فکر این است که یک ملت را زمین‌گیر کند، همین عوامل ابزاری در دست دشمن می‌شود و آنها را تشدید می‌کند. امروز شما وقتی سرنخ بسیاری از قضایای داخل کشور و مشکلات را دنبال کنید، به سرانگشت بیگانه می‌رسید؛ به دستهای مزدور دشمنان و به تدبیر دستگاههایی که همه‌ی نیروی خودشان را علیه نظام اسلامی تجهیز کرده و می‌کنند. انقلاب به فضل الهی و به نیروی این ملت در سال پنجاه و هفت پیروز شد. جبهه‌ی مقابل انقلاب و اسلام که وابسته به همان دشمنان بیرونی بود، سرشکسته و مایوس شد و عقب‌نشست؛ اما آیا از معارضة و دشمنی کردن و از انتقام کشیدن از انقلاب و ملت ایران منصرف شد؟ ابدا. دشمن در یک رویارویی ممکن است شکست بخورد و عقب‌نشینی کند؛ اما کمین خواهد گرفت، مواظبت خواهد کرد و حوادث را رصد خواهد نمود تا در یک فرصت مناسب حمله کند و انتقام بگیرد. جوانان غیور و مومن این مرز و بوم از هر قشری، از روحانی و دانشجو و کاسب و کارگر و کشاورز همه باید متوجه باشند. همه‌ی آنها باید که دلبسته‌ی دین و شرف خود و عزت ملی و استقلال کشور هستند، باید مراقب و مواظب باشند. دشمن ممکن است در یک برهه شکست خورده باشد و خورد. دشمن در مراحل متعدد شکست مفتضحانه‌ای هم خورد؛ اما این دشمن کمین می‌گیرد، از غفلتها استفاده می‌برد و حمله می‌کند. حمله‌ی دشمن هم همیشه نظامی نیست. دشمن ممکن است حمله‌ی فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و حمله‌ی امنیتی کند یا در دستگاههای حساس نفوذ نماید. لذا ملت باید همیشه هشیار باشد. مسوولان به‌طور مضاعف بایستی هشیار باشند. بخصوص که امید دشمنان اسلام و این انقلاب به این بوده و به این است که مردم را از نظام اسلامی مایوس کنند و این‌طور قلمداد نمایند که نظام اسلامی نمی‌تواند. در حالی‌که نظام اسلامی بهتر از همه‌ی نظامها می‌تواند مشکلات و گره‌ها را برطرف کند. نظام اسلامی بود که به این ملت که در طول قرنهای متمادی همواره زیر پنجه‌ی نظامهای استبدادی دست و پا می‌زد، آزادی داد بدون این‌که این آزادی حقوق عمومی و آسایش عمومی را از بین ببرد و پایمال کند.

### بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

[ما دو دشمن داریم: دشمن اول در درون خود ماست. آلوده شدن به شهوات، حرص به دنیا، دلبسته شدن به منافع فردی، مرعوب دشمنان بیرونی شدن، مایوس شدن از وعده‌ی الهی و تحقق آرمانهای الهی، دشمنان درونی ما هستند. دوم، دشمن بیرونی است. دشمن بیرونی عبارت است از آن قدرتهای سلطه‌طلب جهانی که برای تحقق مقاصد خود حاضرند همه‌ی دنیا را به خاک و خون بکشند.]

بعضی ناخشنود می‌شوند از این‌که ما در هشدارهای عمومی مردم را به دشمن بیرونی متوجه کنیم. این ناخشنودی ناشی از سطحی‌نگری است. وقتی ما می‌گوییم دشمن بیرونی داریم، معنایش این نیست که ضعفها، اشتباهات، لغزشها و کوتاهیهای ما در ناکامیهای نظام اسلامی بی‌تاثیر بوده‌است. نخیر؛ این‌طور نیست. قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم: «ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا». نباید اسراف، زیاده‌روی، کوتاهیها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آنها باشیم. اما این نباید ما را از عامل تشدیدکننده‌ی اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند. در همین آیه‌ی شریفه که به ما تعلیم می‌دهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بلافاصله می‌فرماید: «و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین(۱)»؛ یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید. اوست که از اشتباهات شما حداکثر بهره را می‌برد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید می‌کند.

### بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن / ۱۳۸۲/۰۸/۰۶

وقتی جامعه‌ی روحیه‌اش قوی شد، دشمن نمی‌تواند به آن زور بگوید. وقتی زورگویان دنیا بخواهند سوار فرد، جماعت و یا ملتی شوند، اولین اقدامشان این است که روحیه‌ی آن فرد یا ملت را بشکنند و احساس توانایی و ایستادگی‌اش را از بین ببرند. تا زمانی که احساس قدرت و توانایی و روحیه در یک ملت و جماعتی وجود دارد، هیچ‌کس نمی‌تواند بر آن فائق آید؛ نه دشمنان بیرونی و نه دشمنان درونی؛ تبلی و بی‌عاری و بی‌کارگی.

### بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان / ۱۳۸۲/۰۴/۱۷

کشور ما و ملت بزرگ ما و بخصوص طبقه‌ی جوان ما آن روز به‌طور عام - فقط استثناها بیرون بودند - دچار غفلت بود. در میان این غافلین آدمهای متدین و متورع هم بودند، آدمهای بی‌دین و لایابالی هم بودند؛ کسانی هم بودند که اهل گناه نبودند، جوانهای پاک بودند؛ اما در غفلت عمومی جوانها همه همراه بودند. بزرگترین کاری که نهضت اسلامی در ایران انجام داد، تلنگر زدن به ما ایرانی‌ها بود تا از خواب غفلت و بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به آینده خارج شویم. سعیدی در گلستان - داستان دوم یا سوم باب اول - حکایت مجموعه‌ی دزدانی را ذکر می‌کند؛ می‌گوید اینها می‌خواستند به افرادی حمله کنند؛ اما «اولین دشمنی که بر ایشان تاخت، خواب بود»؛ قبل از این‌که دشمن بیرونی بیاید، یک دشمن از درون خودشان بر آنها غلبه کرد؛ آن دشمن عبارت بود از خواب. ما خواب بودیم، انقلاب ما را بیدار کرد.

### بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۶/۰۸

دولت اسلامی دشمنانی هم دارد. دولت اسلامی دو دسته دشمن دارد؛ یک دسته دشمنان شناخته شده هستند. همه‌ی سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی‌اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است. کسانی هستند که به دین یا به ورود دین در عرصه‌ی زندگی معتقد نیستند - به اصطلاح سکولارها - اینها هم با دولت اسلامی مخالفند؛ می‌گویند اقتصاد باید از دین جدا باشد، سیاست از دین جدا باشد، زندگی اجتماعی از دین جدا باشد، تحركات و نشاطهای مردمی عمومی از دین جدا باشد. مخالفت‌ها هم در طیف وسیعی انجام می‌گیرد؛ از مخالف بودن، تا مخالفت کردن، تا معارضة‌های جدی کردن. مترقیین بین‌المللی - یعنی ثروتمندان عظیم جهانی که نفت و منابع عمده‌ی جهانی را در اختیار خودشان می‌خواهند و برای این کار دارند حداکثر تلاش علمی و عملی را می‌کنند - اینها هم جزو دشمنان بیرونی دولت اسلامی‌اند. عرض کردیم دشمن‌ها لزوماً دشمنی نمی‌کنند؛ بعضی از آنها دشمن‌اند، بعضی دشمنی کردندشان به صورت مخالفت و اعتراض است، بعضی وارد میدان می‌شوند و گلاویز می‌شوند. بنابراین انواع و اقسام دشمنی وجود دارد و باید با هر کدام به نحوی برخورد کرد.

دسته‌ی دوم دشمنان درونی‌اند؛ یعنی آفت‌ها، بیماری‌ها و میکروب‌ها. مرگ ما بیش از آنچه ناشی از این باشد که دیگری بیاید ما را بکشد، ناشی از این است که در درون خودمان اختلافی به‌وجود می‌آید. غالباً مرگ‌های ما ناشی از ویروسی، میکروبی، بیماری‌ی و سلول عاصی‌یی است که سرطانی درست می‌کند؛ کمتر ناشی از این است که کسی بیاید آدم را بکشد. دولت اسلامی هم همین‌طور است؛ باید مواظب دشمن‌های درونی‌اش باشد؛ اینها آفت‌هایش است.

### بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۶/۰۸

دسته‌ی دوم [دشمنان دولت اسلامی] دشمنان درونی‌اند؛ یعنی آفت‌ها، بیماری‌ها و میکروب‌ها. مرگ ما بیش از آنچه ناشی از این باشد که دیگری بیاید ما را بکشد، ناشی از این است که در درون خودمان اختلافی به‌وجود می‌آید. غالباً مرگ‌های ما ناشی از ویروسی، میکروبی، بیماری‌ی و سلول عاصی‌یی است که سرطانی درست می‌کند؛ کمتر ناشی از این است که کسی بیاید آدم را بکشد. دولت اسلامی هم همین‌طور است؛ باید مواظب دشمن‌های درونی‌اش باشد؛ اینها آفت‌هایش است.

یکی دو مورد از این آفتها را بگویم. اول صحبت به بخشی از این آفتها اشاره کردم. غفلت کردن و از راه منحرف شدن، یکی از آفت‌هایش این است که ما ادبیات دینی را غلیظ کنیم؛ بدون این‌که مابازایی در عمل داشته باشد. این ما را، هم به ریاکاری می‌کشاند و هم ریاکاری را در بین مردم تشویق می‌کند. این‌که ادبیات دینی تقویت شود، من با آن هیچ مخالفتی ندارم؛ ولی باید مابازا داشته باشد. بیش از آنچه در رفتارمان اسلامی عمل می‌کنیم، در زبان و اظهار و نظاها رمان نخواهیم خود را جلوه دهیم. بیشتر اهمیت دادن به فرم تا به محتوا، از آن آفت‌هاست.

محتوا را باید اسلامی کرد. اگر می‌خواهیم حقیقتا اسلامی شویم، باید در نحوه‌ی مدیریتمان تحول ایجاد کنیم. یکی از حرف‌های خوب آقای رئیس‌جمهورمان در تبلیغات انتخاباتی - که به نظر من این حرف، عده‌ی زیادی را جذب کرد - تحول در مدیریت بود. این تحول در مدیریت را چه کسی باید انجام دهد؟ خود ما باید انجام دهیم. اولین گام در تحول این است که رفتار خودمان، کیفیت کارمان، عزل و نصب خودمان، اعمال مدیریت خودمان، جذب‌بپی که به خرج می‌دهیم، انعطافی که به خرج می‌دهیم، برخوردی که با طبقات مخاطب و مراجع به خودمان انجام می‌دهیم، اسلامی باشد.

البته این‌که گفتم ادبیات دینی را غلیظ کردن بدون مابازا، یکی از آفت‌هاست، اشتباه نشود با کاری که بعضی‌ها گوشه و کنار دنبالش هستند که پرچم‌های اسلامی و نشانه‌های اسلامی را از بین مردم بردارند؛ خیر، بنده این را نمی‌گویم. مطلقا نباید نشانه‌های اسلامی را تضعیف کرد. «و من عظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب» (۱) اصلا بناک شعائر بر تظاهر و بر نشان دادن و بر مطرح کردن و جلو چشم نگهداشتن است. شعائر را مطلقا نباید تضعیف کرد. بعضی‌ها به اسم این‌که ما اهل ریا نیستیم و نمی‌خواهیم تظاهر کنیم، شعائر اسلامی و علامت‌های اسلامی و سیمای اسلامی و وجهه‌ی اسلامی و رفتار اسلامی و پرچم‌های اسلامی را از زندگی خودشان و زندگی مردم جمع می‌کنند؛ خیر، بنده مطلقا این را توصیه نمی‌کنم؛ بلکه بعکس، توصیه می‌کنم مقید باشید اینها را نگه دارید. منتها اگر بناست جانماز آب بکشیم، واقعا روی آن جانماز نماز هم بخوانیم؛ والا انسان جانماز را آب بکشد و رویش نماز نخواند و کنار بیندازد، فایده‌ی ندارد.

### بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

این راهی که ملت ایران می‌خواهد برود، یک راه اسفالت‌هی بی‌مانع نیست؛ ما در این راه چالش هم داریم. ما دو دشمن بزرگ داریم. من این دو دشمن را امروز به اختصار برای شما معرفی و چهره‌نمایی کنم تا ببینیم من و شما در مقابل این دو دشمن چه باید بکنیم. یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه‌ی دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود- نه به شخص خود و نه به ملت خود- این‌ها بیماری است. اگر این دشمن‌های درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می‌شود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند این میکروبها را در درون جامعه‌ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمی‌توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده‌تان تاریک است»، «افتتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی‌اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ این‌ها دشمنان درونی است. در طول سال‌های قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلاک عمده‌ی ملت ما این‌ها بود. اگر ملتی این بیماری‌ها را داشته باشد، این ملت پیشرفت‌ش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردم‌ش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت؛ این‌ها مثل موربانه‌ای که در درون پایه‌ی بنا بیفتد. بنا را ویران می‌کند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار بگیرد، میوه را فاسد می‌کند. باید با این صفات مبارزه کرد. ملت ما باید امیدوار، دارای اعتماد به نفس، خوش‌بین به آینده، علاقه‌مند به پیشرفت، و معتقد و مومن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک می‌کند. بحمد الله امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امید دارد؛ باید این‌ها را تکمیل کرد. اگر ما بتوانیم این دشمن‌ها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعه‌ی خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمی‌تواند به ما صدمه و لطمه‌ای برساند.

و اما دشمن بیرونی. دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که می‌خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی آمریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر می‌کند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانسته‌اند، فشار وارد آورده‌اند، اما عبث؛ فشارهای آن‌ها نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب‌نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادیشان، نه تهدید نظامی‌شان، نه فشار سیاسی‌شان، نه جنگ روانیشان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قوی‌تر هستیم؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست.

امروز در دنیا تناقضی وجود دارد. ملت ایران از نظر ملت‌های مسلمان و ملت‌های منطقه- ملت‌های آسیا، ملت‌های آفریقا، ملت‌های امریکای لاتین، ملت‌های منطقه‌ی خاورمیانه- یک ملت شجاع، مدافع حق و عدالت، و ایستاده‌ی در مقابل زورگویی‌هاست؛ ملت ایران را این‌طور شناخته‌اند. آن‌ها ملت ایران را تحسین و ستایش می‌کنند. اما همین ملت ایران و همین نظام جمهوری اسلامی که این‌قدر مورد ستایش ملت‌هاست، از نظر قدرتهای زورگو، متهم به نقض حقوق بشر است، متهم به سلب امنیت جهانی است، متهم به حمایت از تروریسم است؛ این تناقض است؛ تناقض بین نگاه ملت‌ها و خواسته‌ی قدرتها. این تناقض، تهدیدکننده‌ی نظام سلطه‌ی جهانی است. روز به روز این‌ها دارند از ملتنا دور می‌شوند؛ این یک رخنه‌ی فرسایشی را در بناک لیبرال دموکراسی غرب به وجود آورده است و روز به روز این رخنه بیشتر خواهد شد. بالاخره تبلیغات استکبار تا مدتی می‌تواند حقایق را پنهان کند؛ همیشه که نمی‌تواند حقایق را پنهان کند؛ ملتها روز به روز بیدارتر می‌شوند. شما نگاه کنید؛ رئیس‌جمهور ملت ایران به کشورهای آسیا، به کشورهای آفریقا، به کشورهای امریکای جنوبی مسافرت می‌کند، ملتها برای او شعار می‌دهند، به نفع او تظاهرات می‌کنند، اظهار حمایت می‌کنند؛ رئیس‌جمهور امریکا هم به کشورهای امریکای جنوبی- یعنی حیط خلوت امریکا- مسافرت می‌کند، ملتها پرچم امریکا را به مناسبت آمدن او آتش می‌زنند؛ این معنایش تزلزل پایه‌های لیبرال دموکراسی‌ای است که امروز غرب و جلوتر از همه امریکا، مدعی پرچمداری آن هستند. تناقض در خواست آن‌ها و تمایلات مردم و مشاهدات مردم روز به روز بیشتر می‌شود. دم از دموکراسی می‌زنند، دم از حقوق بشر می‌زنند، دم از امنیت جهانی می‌زنند، دم از مبارزه‌ی با تروریسم می‌زنند، اما باطن شریر آن‌ها حکایت از جنگ‌طلبی آن‌ها می‌کند؛ حکایت از پایمال کردن حقوق ملتها می‌کند؛ حکایت از میل وافر و اشتهای سیری‌ناپذیر آن‌ها بر منابع انرژی جهانی می‌کند؛ این را ملتها می‌بینند. روز به روز آبروی لیبرال دموکراسی و آبروی امریکا- که پیش‌قراول لیبرال دموکراسی است- در دنیا در نظر ملتها دارد کم و کمتر می‌شود. در مقابل، آبروی ایران اسلامی دارد بیشتر می‌شود. ملتها می‌فهمند که امریکایی‌ها در ادعای دفاع از حقوق بشر دروغ می‌گویند؛ یک نمونه‌ی آن، رفتار آن‌ها با کشور خود ماست. ایران در زمان طاغوت- زمان رژیم پهلوی- یکسره در مشت امریکایی‌ها بود؛ امریکایی‌ها بر سراسر ایران مسلط بودند؛ پایگاه نظامی در ایران به وجود می‌آوردند، برای تسلط بر تحرک کشورهای عرب منطقه؛ می‌خواستند این‌ها را از پایگاه ایران زیر نظر داشته باشند. ایران همپیمان اسرائیل بود؛ بدترین دیکتاتورک‌ها بر این کشور حاکم بود؛ مبارزان را در زندان شکنجه می‌کردند؛ در سرتاسر کشور- در همین شهر مشهد، در تهران و در همه‌ی شهرهای کشور- اختناق و شدت عمل ماموران جلاز رژیم طاغوت بر مردم مسلط بود؛ نفت ما را تاراج می‌کردند؛ اموال عمومی و ثروت‌های ملی را به نفع حکام و به نفع بیگانگان به تاراج می‌دادند؛ ملت ایران را از حضور در مسابقه‌ی علمی و صنعتی دنیا مانع می‌شدند؛ ملت را تحقیر می‌کردند. آن ایران، متحد درجه‌ی یک امریکا در این منطقه بود؛ زمامدارانش هم محبوب امریکا بودند؛ هیچ اعتراضی هم به نقض حقوق بشر و نقض دموکراسی بر آن حکومت طاغوتی وارد نبود. امروز ایران یک کشور آزاد است؛ با این مردم‌سالاری واضح- که مردم‌سالاری ما در دنیا بسیار کم‌نظیر است- با این ارتباط مستحکم بین مردم و مسئولان کشور؛ این ایران از نظر امریکایی‌ها، از نظر دولت امریکا و سیاستمداران امریکا یک کشور نامطلوب به حساب می‌آید؛ این نشان‌دهنده‌ی جهت‌گیری استکبار جهانی در مقابل حقایق موجود عالم است. البته امریکایی‌ها از این دشمنی سودی نبرده‌اند و بازهم نخواهند برد. ملت ایران روز به روز قوی‌تر می‌شود و ارزشهای انقلاب روز به روز برجسته‌تر و تازه‌تر می‌شود.

### بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

ما در خلا که زندگی نمیکنیم، ما در یک واقعیاتی داریم زندگی میکنیم؛ این واقعیات چقدر برای رسیدن به این هدفها کمک بود یا مزاحمت بود؟ یقیناً اگر مزاحمتهایی که حالا می‌شمارم، وجود نداشت، رسیدن به این هدف، زمان زیادی نمیخواست. شاید در طول پنج سال، ده سال یک گروه متشکل فوی میتوانستند این اهداف را برآورده کنند؛ منتها در سر راه انسان موانع وجود دارد. اساساً همین وجود مانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی میبخشد و آسمش میشود جهاد؛ والا اگر مانع نبود، جهاد معنی نداشت. جهاد یعنی جد و جهد همراه با زحمت و چالش با موانع.

این موانع چه بودند؟ ما دو نوع موانع داشتیم: یکی موانع درونی، یکی موانع بیرونی. موانع درونی یعنی چه چیزهایی؟ یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسانها - چه تصمیم‌گیرانمان، چه آحاد مردمان، چه ناظرین بیرون از گود مبارزه و انقلاب - وجود دارد؛ اینها موانع درونی است. موانع درونی، ضعفهاست؛ ضعفهای فکری است، ضعفهای عقلانی است، راحت‌طلبی است، آسان‌گرایی است، آسان‌پنداری است؛ این گاهی اوقات خودش یکی از موانع تحقق آن چیز است. باید برآورد و تقویم نسبت به کار و مشکلات کار، مطابق با واقع یا لاقط نزدیک به واقع باشد. آسان‌پنداری هم مثل آسان‌گیری و سهل‌انگاری است؛ آن هم یکی از موانع راه است. گریز از چالش هم یکی از ضعفهای درونی ماست. به گریز از چالش، بغلط میگویند عاقبت‌طلبی. عاقبت‌طلبی چیز خوبی است. عاقبت یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است؛ «یا ولی العاقبه نسلک العاقبه؛ عاقبه الدنيا والاخره». عاقبت به معنای پنجه نیفکندن نیست؛ به معنای درست عمل کردن، بجا قدم گذاشتن، بجا ضربت زدن و بجا عقب کشیدن است. عاقبت از بلا، مثل این است که بگوئیم عاقبت از گناه. بنابراین عاقبت‌طلبی چیز بدی نیست؛ لیکن بغلط به گریز از چالش میگویند عاقبت‌طلبی؛ یعنی در واقع همان راحت‌طلبی، مواجهه با مشکلات را زشت و ناپسند دانستن، آماده نبودن برای مواجهه با مشکلات. اینها ضعفهای درونی ماست.

### بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

آنوقت عوامل بیرونی است، که دیگر الی ماشاءالله وجود داشته است؛ همه کسانی که به نجوی از انقلاب یا از هدفهای انقلاب متضرر میشدند، اینها جلوی انقلاب ایستادند. از امنیت یک عدهای متضرر میشوند، از عدالت یک عدهای متضرر میشوند، از نفی حاکمیت طاغوت یک عدهای متضرر میشوند، از نفی سلطه‌ی بیگانه یک جماعتی متضرر میشوند، از نفی استبداد یک عدهای متضرر میشوند. اینها را شما میدانید؛ توضیح لازم ندارد. کی‌ها از عدالت یا از استقلال یا از آزادی و امثال اینها متضرر میشوند؟ اینها همه در مقابل انقلاب صف کشیده‌اند. تا الان هم این صف‌کشی ادامه دارد.

### بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

علی‌رغم همه آنچه که انجام گرفته است در این سه دهه؛ توطئه‌های گوناگون، از مودیگری‌ها و توطئه‌های براندازی و کودتا که در سالهای اول، دهه‌ی اول انقلاب بود، تا جنگ تحمیلی، تا توطئه‌های به اصطلاح نرم از بعد از دهه‌ی اول و بعد از پایان جنگ به این طرف تا امروز، ملت ایران و جمهوری اسلامی ثابت کرد که شایسته و لایق باقی ماندن است؛ با قدرت ایستاد. بعد از این هم حوادث گوناگون عالم نخواهد توانست این درخت تناور را تکان بدهد، که آن روزی که یک نهال بود، نتوانستند از جا درش بیاورند، امروز تبدیل شده به یک درخت تناور و ریشه‌دار. جمهوری اسلامی را نمیتوانند تکان بدهند. ما باید خودمان مراقب باشیم که از درون پوک نشویم؛ از درون پوسیده نشویم. از دشمن بیرونی، آن وقتی که ما سلامت معنوی خودمان را حفظ کردیم، راهی را که اسلام و جمهوری اسلامی به ما نشان داده، پیش رفتیم و از آن راه منحرف نشدیم، مطلقاً ترسی نداریم؛ به ما آسیبی نمیزند؛ نمیتواند آسیب بزند.

### بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

باید با هم نزدیک بشویم. دو عامل عمده و کلی در مقابل وحدت وجود دارد، باید اینها را علاج کرد. یک عامل، عامل درونی ماست؛ تعصبات ما، پاپیندی‌های ما به عقاید خودمان؛ هر گروهی برای خودش. باید بر این فائق آمد. ایمان به میادیک خود و اصول و عقائد خود چیز بسیار خوب و پسندیده‌ای است؛ پافشاری بر آن هم خوب است؛ اما این نباید از مرز اثبات به مرز نفی و همراه با تعرض و دشمنی و عداوت تجاوز کند. برادرانی که در مجموعه‌ی امت اسلامی هستند، احترام یکدیگر را حفظ کنند؛ عقاید خودشان را هم میخواهند حفظ کنند، حفظ کنند؛ اما احترام به دیگران، حدود دیگران، حقوق دیگران و حرمت افکار و عقاید آنها را نگه دارند و بحث و مجادله را برای مجالس علمی بگذارند. علما و اهل فن، میخواهند بنشینند مباحثات مذهبی کنند، بکنند؛ اما مباحثه‌ی مذهبی عالمانه و در محفل علمی، با بدگویی به یکدیگر در علن، در سطح افکار عمومی، در مخاطبه‌ی با افکاری که قدرت تجزیه و تحلیل علمی ندارند، فرق میکند؛ این را بایستی علما مهار کنند؛ مسئولان باید مهار کنند. همه‌ی گروه‌های مسلمان در این مورد وظیفه دارند. شیعه هم وظیفه دارد، سنی هم وظیفه دارد؛ باید به سمت اتحاد بروند. این یک عامل که عامل درونی است. یک عامل بیرونی هم دست مغرض تفرقه‌افکن دشمنان اسلام است. نباید از این غفلت کرد. نه فقط امروز، بلکه از آن روزی که قدرتهای مسلط سیاسی در دنیا احساس کردند که میتوانند روی ملتها اثر بگذارند، این دست تفرقه‌افکن به وجود آمده و امروز از همیشه شدیدتر است. وسائل ارتباط جمعی، وسائل مدرنی که امروز وجود دارد، این هم کمک میکند. اینها آتش‌افروزند؛ آتش‌افروزند؛ برای تفرقه شعار درست میکنند. باید آگاه بود؛ باید هوشیار بود. متأسفانه یک عده‌ای هم در داخل ملتهای مسلمان و کشورهای مسلمان، میشوند وسیله برای اعمال غرض آن دشمنان اصلی.

### بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۲/۰۲/۱۴

برای وارد شدن در عرصه‌ی انتخابات، تنها چیزی که حاکم است، قانون است؛ بر طبق قانون یک عده‌ای میتوانند بیایند، یک عده‌ای نمیتوانند بیایند؛ قانون معین کرده شرایط چیست، صلاحیتها چیست؛ کسانی که تشخیص صلاحیت میدهند، چه کسانی‌اند؛ اینها همه‌اش بر طبق قانون دارد انجام میگردد. آن دشمن بیرونی می‌نشیند، بر همه‌ی این واقعیتها چشم مینهد، حرفی میزند، و متأسفانه حنجره‌های بی‌تقوا و زبانهای بی‌تقوا هم همانها را تکرار میکنند. اما ملت ایران به توفیق الهی، با حضور خود، با ایستادگی و عزم راسخ خود، به همه‌ی این ترفندها پاسخ خواهد گفت؛ و پاسخ ملت ایران، پاسخ کوبنده و قاطعی خواهد بود.

### بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

مطمئناً انگیزه‌هایی وجود دارد در جبهه‌ی دشمنان ما برای متوقف کردن حرکت علمی کشور. حالا بعضی‌ها روی کلمه‌ی دشمن حساسیت دارند؛ به ما اعتراض میکنند که چرا مدام میگویند دشمن، دشمن؛ درحالی‌که شما قرآن [را] ملاحظه کنید، می‌بینید اول تا آخر قرآن چقدر تکرار شده عنوان «شیطان»، عنوان «ابلیس»؛ مکرر گفته شده، مکرر تکرار شده. از دشمن که نباید غفلت کرد. دشمن‌دانستن دشمن که عیب نیست؛ اینکه ما روی دشمن مدام تکیه میکنیم، معنایش این نیست که از عیوب خودمان و مشکلات درونی خودمان غافلیم؛ نه، اعدای عدوک نفسک‌النی بین جنبیک؛ از همه‌ی دشمنها بدتر، دشمن درونی ما است، دشمن خود ما است، نفس راحت‌طلب ما است، تبلیی ما است، تن‌آسایی ما است، عدم تدبیر ما در پیشبرد امورمان [است] - اینکه معلوم است - اینها به جای خود محفوظ؛ اما غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد. خوب، باید دشمن را شناخت، دید - حالا [اینکه] شما میگویند برخوردمان با دشمن این‌جور باشد، آن‌جور نباشد، بحث دیگری است - دشمنی او را باید فهمید، نقشه‌ی او را باید تشخیص داد. یکی از نقشه‌های مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی در کشور است. خوب، وقتی این را فهمیدیم، برمیگردیم به دانشگاه؛ اینجا آن مدیریت جهادی که ما عرض کردیم، معنا پیدا میکند. چون جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی‌ای انجام میگردد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت میگردد؛ این جهاد است. آنوقت معنای مدیریت جهادی در اینجا این است که توجه بکنید که حرکت علمی کشور و نهضت علمی



کشور و پیشرفت علمی کشور مواجه است با یک چالش خصمانه، که در مقابل این چالش خصمانه شما که مدیریت، شما که استادید، شما که دانشجو هستید، باید بایستید؛ این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ چه مدیریت دانشگاه، چه مدیریت وزارت، چه مدیریت هر بخشی از بخشهای گوناگون این عرصه عظیم، خواهد شد مدیریت جهادی. ما البته در گذشته، در یک دورانی، نمونه‌های نامطلوبی در دانشگاه داشتیم. کسانی را در یک دانشگاه معتبر کشور داشتیم که جوانهای نخبه را تشویق میکردند به ترک کشور؛ اینکه مکرر میگویند فرار مغزها، فرار مغزها؛ آدمهایی داشتیم که دانشجوی نخبه را جستجو میکردند، پیدا میکردند، تشویق میکردند به اینکه کشور را ترک کنند و بروند؛ در یک دورانی این را داشتیم؛ و در یک دورانی دیدیم این را و گذرانیدیم این دوران را که در داخل وزارت کسانی بودند که در مقابل حرکت علمی و پیشرفت علمی مانع‌تراشی میکردند؛ [البته] ممکن است با دلایلی از نظر خودشان موجه، اما واقعیت همین بود که مانع‌تراشی بود. اینها نباید تکرار بشود؛ دانشگاه در اختیار کسانی قرار نگیرد که پیشرفت علمی را برای سرنوشت این ملت و برای سرنوشت این کشور درک میکنند. این عرض اصلی ما است؛ مخاطب این مسئله، هم مسئولین دولتی هستند، هم مسئولین دانشگاه‌ها هستند، هم خود شما اساتید هستید؛ دانشگاه حرکتی را شروع کرده، نگذارید این حرکت متوقف بشود؛ این حرکت بایست ادامه پیدا کند و باید مضاعف بشود. عرض کردم - حالا جای تفصیل کلام در اینجا نیست - ما هنوز خیلی راه در پیش داریم تا به آن نقطه‌ای برسیم که از لحاظ علمی مورد نظر است؛ خیلی باید تلاش کرد؛ خیلی باید مجاهدت کرد.

#### بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۲/۰۸/۱۲

تکیه‌ی ما بر دشمنی دشمنان خارجی به معنای اعماض از ضعفهای درونی خودمان نیست. این را به شما جوانهای عزیزم عرض بکنم؛ ما در درون خودمان ضعفهایی داریم؛ دشمن در موارد زیادی از ضعفهای ما استفاده میکند؛ این ضعفها را باید برطرف کنیم. ما ضعف در سیاست‌گذاری داریم؛ ضعف در اجرا داریم؛ ضعف در تلاش داریم؛ گاهی دچار تنبلی و دچار کاهلی در حرکتهای خودمان میشویم؛ ضعف در [تشخیص] اولویتهای کشور داریم؛ گاهی اوقات سر یک چیز جزئی، گروه‌هایی در درون کشور از خودمان با همدیگر درگیر میشوند، سر یک امری که ضرورتی هم ندارد، لزومی هم ندارد؛ از دشمن غافل [میشویم]؛ اینها ضعفهای ما است؛ این ضعفها را بایستی برطرف کرد. لکن وجود دشمن -دشمنی که آگاه است، دشمنی که پول خرج میکند، دشمنی که اگر بتواند از هیچ جنابیتی فروگذار نمیکند- یک چیزی است که نباید مغفول‌عنه بماند. بعضی‌ها به بهانه‌ی همین مسائل جزئی داخلی، دشمن خارجی را فراموش میکنند، آمریکا را فراموش میکنند. اینکه امام (رضوان‌الله‌علیه) مکرر تکرار میکردند که هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید، به‌خاطر این است؛ بر سر یکدیگر کمتر فریاد بکشید. نمیگویم انتقاد نکنیم؛ نه، بالاخره جامعه، جامعه آزادی است، افکار آزادند، حق انتقاد وجود دارد، انتقاد هم مایه‌ی پیشرفت است اما دشمن اصلی را با دشمنان درجه‌ی دو و با دوستانی که با آنها اختلاف نظر داریم و دشمن هم حتی نیستند، اشتباه نگیریم؛ دشمن اصلی جای دیگر است. دشمن اصلی آن دشمنی است که با همه‌ی توان درصدد این است که دستاورد عظیم ملت ایران را از او بگیرد؛ این دستاورد عبارت است از حضور ملت، حاکمیت ملی، نفوذ افکار قرآنی و اسلامی در میان مردم؛ این آن دستاورد بزرگ است که ما را به پیشرفت میرساند؛ تا امروز هم پیشرفتهای زیادی کرده‌ایم، بعد از این هم همین ما را به آرمانهایمان خواهد رساند. این را می‌خواهند از دست مردم بگیرند؛ می‌خواهند حکومت ظالمانه، حکومت دست‌نشانده، حکومتی دلباخته‌ی به غرب و تسلیم غرب و مرعوب غرب به وجود بیاورند، هدفشان این است؛ این را بایستی از یاد نبریم و این دشمن را در نظر داشته باشیم.

#### بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

اینها را غربی‌ها کردند، اینها را همین انگلیس‌ها کردند؛ بعد از انگلیس‌ها نوبت آمریکایی‌ها بود. کشاورزی کشور را نابود کردند، پیشرفت علمی کشور را متوقف کردند، مغزهای فعال را دزدیدند و بردند یا متوقف کردند، طبقه‌ی جوان را به فساد و لابی‌گری و اعتیاد و مشروب‌خواری و مانند اینها کشاندند؛ این کارهایی است که غرب در کشور ما کرده. نمیگویم ماها بی‌تقصیر بودیم، اما اداره‌ی کار و تدبیر کار دست آنها بوده است و آنها کرده‌اند. تقصیر ما این است که ما در صدد علاج برنیامدیم، در صدد مقاومت برنیامدیم. امروز هم اگر مقاومت نکنیم، همان آتش است و همان کاسه؛ باز هم همین خواهد شد.

#### بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

غرب، کشورهای غربی، از اواسط دوران قاجار، علیه کشور ما فعالیت‌هایشان را شروع کردند؛ ضعف سلاطین قاجار موجب شد اینها دائما همین‌طور امتیاز بگیرند، مدام فشار بیاورند، مدام دایره‌ی زندگی ما را تنگ کنند و پیشرفتهای ما را متوقف کنند. بعد به این نتیجه رسیدند که باید یک نفر از خودشان را بیاورند، که آوردند؛ رضاخان از خودشان بود. حالا بعضی‌ها همین را هم دارند خدشه میکنند و [میگویند] رضاخان را انگلیس‌ها نیاوردند؛ یک امر به این وضوح را که خودهایشان اقرار کردند، تکرار کردند، خود انگلیس‌ها گفتند، خود مسئولان حکومت طاغوت این را مکرر گفتند، اما اینها دارند انکار میکنند. واقع قضیه این است که رضاخان را آوردند، بعد که احساس کردند ممکن است آن‌چنان‌که مایلند در مشتشان نچرخد، او را برداشتند و پسرش را گذاشتند. بعد که باز از درون کشور یک حرکتی به‌عنوان نهضت ملی شروع شد، سرکوب کردند و بیست‌وهشتم مرداد را به‌وجود آوردند. بعد از بیست‌وهشتم مرداد، دستگاه جهنمی ساواک را به‌وجود آوردند. اینها را غربی‌ها کردند، اینها را همین انگلیس‌ها کردند؛ بعد از انگلیس‌ها نوبت آمریکایی‌ها بود. کشاورزی کشور را نابود کردند، پیشرفت علمی کشور را متوقف کردند، مغزهای فعال را دزدیدند و بردند یا متوقف کردند، طبقه‌ی جوان را به فساد و لابی‌گری و اعتیاد و مشروب‌خواری و مانند اینها کشاندند؛ این کارهایی است که غرب در کشور ما کرده. نمیگویم ماها بی‌تقصیر بودیم، اما اداره‌ی کار و تدبیر کار دست آنها بوده است و آنها کرده‌اند. تقصیر ما این است که ما در صدد علاج برنیامدیم، در صدد مقاومت برنیامدیم. امروز هم اگر مقاومت نکنیم، همان آتش است و همان کاسه؛ باز هم همین خواهد شد.

#### بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

غرب، کشورهای غربی، از اواسط دوران قاجار، علیه کشور ما فعالیت‌هایشان را شروع کردند؛ ضعف سلاطین قاجار موجب شد اینها دائما همین‌طور امتیاز بگیرند، مدام فشار بیاورند، مدام دایره‌ی زندگی ما را تنگ کنند و پیشرفتهای ما را متوقف کنند. بعد به این نتیجه رسیدند که باید یک نفر از خودشان را بیاورند، که آوردند؛ رضاخان از خودشان بود. حالا بعضی‌ها همین را هم دارند خدشه میکنند و [میگویند] رضاخان را انگلیس‌ها نیاوردند؛ یک امر به این وضوح را که خودهایشان اقرار کردند، تکرار کردند، خود انگلیس‌ها گفتند، خود مسئولان حکومت طاغوت این را مکرر گفتند، اما اینها دارند انکار میکنند. واقع قضیه این است که رضاخان را آوردند، بعد که احساس کردند ممکن است آن‌چنان‌که مایلند در مشتشان نچرخد، او را برداشتند و پسرش را گذاشتند. بعد که باز از درون کشور یک حرکتی به‌عنوان نهضت ملی شروع شد، سرکوب کردند و بیست‌وهشتم مرداد را به‌وجود آوردند. بعد از بیست‌وهشتم مرداد، دستگاه جهنمی ساواک را به‌وجود آوردند. اینها را غربی‌ها کردند، اینها را همین انگلیس‌ها کردند؛ بعد از انگلیس‌ها نوبت آمریکایی‌ها بود. کشاورزی کشور را نابود کردند، پیشرفت علمی کشور را متوقف کردند، مغزهای فعال را دزدیدند و بردند یا متوقف کردند، طبقه‌ی جوان را به فساد و لابی‌گری و اعتیاد و مشروب‌خواری و مانند اینها کشاندند؛ این کارهایی است که غرب در کشور ما کرده. نمیگویم ماها بی‌تقصیر بودیم، اما اداره‌ی کار و تدبیر کار دست آنها بوده است و آنها کرده‌اند. تقصیر ما این است که ما در صدد علاج برنیامدیم، در صدد مقاومت برنیامدیم. امروز هم اگر مقاومت نکنیم، همان آتش است و همان کاسه؛ باز هم همین خواهد شد.

#### بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

دشمن، امروز مشخصاً عبارت است از آمریکا، انگلیس، زرسالاران بین‌المللی، صهیونیست‌ها و دنباله‌هایشان؛ حالا دنباله‌هایشان خیلی اهمیتی ندارند، ارزشی ندارند که آدم اسم از آنها بیاورد؛ اصلی‌ها اینها هستند. آمریکا دشمن است با جمهوری اسلامی، با ایران مستقل، با ایران روبه‌جلو و پیش‌رونده؛ انگلیس که

مستعمر پیر از کار افتاده‌ی دوره‌ی قبل است و حالا باز مجدداً به این منطقه می‌خواهد نفوذ کند، دشمن است؛ صهیونیست‌ها دشمنند؛ سرمایه‌داران بین‌المللی و زرسالاران بین‌المللی دشمنند؛ اینها دشمنهای اصلی [هستند].

البته این را هم عرض بکنم که فقط اینها هم دشمن نیستند، علاوه‌ی بر اینها یک دشمن دیگری وجود دارد و او درون خود ما است. خود ما یعنی چه؟ یعنی من، شما، فلان مسئول، فلان جوان. آن دشمن درونی چیست؟ آن دشمن درونی عبارت است از بی‌انگیزگی، ناامیدی، بی‌حالی، بی‌نشاطی، تبلی؛ اینها دشمن ما است. اللهم انی اعوذ بک من الکسل و الهرم و الجبن و البخل و الغفله و القسوه و الفتره و المسکنه؛ اینها دشمنهای ما هستند. اللهم انی اعوذ بک من نفس لا تشیع و من قلب لا یخضع و من دعا لا یسمع و من صلاه لا تنفع؛ (۱) اینها دشمنان درونی ما هستند؛ همه را به گردن بیرونی‌ها نمی‌اندازیم. ما هم اگر بد عمل کنیم، اگر به وقت عمل نکنیم، اگر تبلی کنیم، اگر دشمن را اشتباه بگیریم، اگر به جای شیطان اکبر واقعی، یک برادر ناباب یا ناراهی -که حالا برادر ما است، ولو ناباب و ناراه است- شیطان اکبر ما شد، ضربه خواهیم خورد. پس این هم دشمن ما است، حواسمان باشد. وقتی ما می‌گوییم دشمن خارجی، معنایش این نیست که در خودمان هیچ‌گونه نقصی وجود ندارد؛ نه، سیاستهای غلط، سیاستهای بد، رفتارهای بد، اختلافات گوناگون بی‌وجه، تبلی کردن، اقدام نکردن، تنگ‌نظری، اینها دشمنان ما است؛ اینها هم هست.

## بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

نکنته‌ی اصلی‌ای که در قضیه‌ی قم وجود دارد که من آن نکته را هم بارها عرض کرده‌ام و تکرار میکنم، این است که مردم قم در آن مقطع، بهنگام عمل کردند. همیشه کار وقتی که در وقت خود انجام گرفت، تاثیر میکند یا تاثیر آن افزایش پیدا میکند. همان کار را اگر گذاشتیم بیات شد، مدتی گذشت و بعدا انجام گرفت، گاهی اثر نمیکند یا اثر کمی میکنند. هنر قمی‌ها این بود که نکته را فوراً گرفتند، دشمنی را فوراً شناختند و در همان وقت اول به آن پاسخ دادند، والا اگر بعد از آنکه آن رفتار خیانت‌آمیز توطئه‌آمیز دشمن نسبت به امام بزرگوار انجام گرفت، این دست آن دست میکردند، [میگفتند] حالا میکنیم، فردا میکنیم، یک ماه دیگر میکنیم، این حوادث بعدی اصلاً به وجود نمی‌آمد. فریضه وقت دارد، در وقت خود باید فریضه را انجام داد؛ بهترین وقت انجام فریضه هم اول وقت -وقت فضیلت- است. خب، بعضی اصلاً فریضه را انجام نمیدهند، [میگویند] بی‌خیال؛ بعضی انجام میدهند اما با تاخیر؛ بعضی می‌گذارند وقت که گذشت انجام میدهند، مثل توابین؛ توابین آن وقتی که باید می‌آمدند -که عاشورا بود- نیامدند، وقتی آمدند که کار از کار گذشته بود. یا قیام مردم مدینه با رهبری عبدالله بن حنظله. آمدند در مقابل یزید ایستادند، قیام کردند، حاکم مدینه را بیرون کردند، اما دیر؛ آن وقتی که شنیدند که حسین بن علی (علیهما السلام) از مدینه خارج شد، آنوقت باید به این فکر می‌افتادند، نیفتادند؛ دیر به فکر افتادند، یک سال بعد [به فکر افتادند]؛ نتیجه هم همانی شد که تاریخ ثبت کرده است؛ قتل‌عام شدند، نارومار شدند، نابود شدند، هیچ کاری هم نتوانستند بکنند. کار را در وقت باید انجام داد. خب، اگر بخواهیم کار را در وقت انجام بدهیم، بایستی فریضه را بشناسیم، بدانیم چه کاری باید انجام داد تا آن را در وقت خود انجام بدهیم.

من عرضم این است که این انقلاب یک خیز بلندی بود که ملت ایران برداشت برای اینکه خود را از ذلت وابستگی و ذلت عقب‌ماندگی نجات بدهد. این انقلاب یک حرکت عظیمی بود برای اینکه وابستگی و عقب‌ماندگی را -این دو ذلت بزرگ را- به برکت اسلام و با راهنمایی و رهبری اسلام، از این ملت بزاید؛ دو درد طولانی مزمن بود، اینها را علاج بدهد؛ انقلاب برای این به وجود آمد و نظام جمهوری اسلامی بر این اساس تشکیل شد. خب، درست توجه کنید، وقتی که یک حرکتی برای این مقصود به وجود آمده است که وابستگی را و عقب‌ماندگی را از این ملت بزاید -و موفق هم شده است، پیشرفت هم کرده است- آن کسانی که عقب‌ماندگی و وابستگی به نفع آنها بود، در مقابل این حرکت، این انقلاب، و این نظام می‌ایستند؛ این طبعی است. این [طور] نیست که ما دشمن درست میکنیم؛ بعضی‌ها تکیه‌کلامشان این است که آقا دائم دشمن تراشید! دشمن را حرکت ملت می‌تراشد. فرض کنید یک قلدری آمده است خانه‌ی شما را، دکان شما را، محل استراحت شما را، زندگی شما را غصب کرده است؛ وقتی شما آمدید او را بیرون کردید، خب شما حقتان را انجام داده‌اید، حقتان را گرفته‌اید اما او با شما دشمنی میکند. تا وقتی که امید داشته باشد که بتواند بر شما غلبه پیدا کند، به شما ضربه میزند. ما با کسی دشمنی جدیدی ایجاد نکرده‌ایم؛ اینها دشمنی میکنند. آن کسانی که از وابستگی ایران به خودشان بهره می‌برند، امروز با ما دشمنند؛ دشمن خونی! آن کسانی که از عقب‌ماندگی ملت ایران منتفع میشدند، امروز با ما دشمنند؛ دشمن خونی، دشمن آشتی‌ناپذیر. البته این دشمنی ممکن است تا قیامت طول نکشد، عسی الله ان یجعل بینکم و بین الذین عادتکم منکم موده؛ ممکن است یک وقتی اتفاق بیفتد در آینده -صد سال دیگر، پنجاه سال دیگر، نهمینیم- که این دشمنی از بین برود؛ اما شرط از بین رفتن دشمنی چیست؟ این که او ناامید بشود یا اصلاح بشود؛ که حالا این [اصلاح شدن] بعید است، اصلاح شدن ابرقدرت‌ها بعید است. خب پس این دشمنی هست. آن درسی که ما باید بگیریم که بهنگام عمل نکنیم، آن مبنی بر این است که دشمن را بشناسیم، سمت و سوی کار دشمن را بدانیم، آنقدر بصیرت پیدا کنیم که هر حرکتی که دشمن انجام میدهد، بفهمیم که هدفش چیست. اگر متوجه ما و متعرض به ما است، علاج کنیم آن را، بایستیم، مقاومت کنیم؛ این وظیفه‌ی ما است. حالا من درباره‌ی همین موضوع، چند جمله‌ای را، کلماتی را امروز عرض میکنم.

اولاً دشمن کیست؟ دشمن، امروز مشخصاً عبارت است از آمریکا، انگلیس، زرسالاران بین‌المللی، صهیونیست‌ها و دنباله‌هایشان؛ حالا دنباله‌هایشان خیلی اهمیتی ندارند، ارزشی ندارند که آدم اسم از آنها بیاورد؛ اصلی‌ها اینها هستند. آمریکا دشمن است با جمهوری اسلامی، با ایران مستقل، با ایران روبه‌جلو و پیش‌رونده؛ انگلیس که مستعمر پیر از کار افتاده‌ی دوره‌ی قبل است و حالا باز مجدداً به این منطقه می‌خواهد نفوذ کند، دشمن است؛ صهیونیست‌ها دشمنند؛ سرمایه‌داران بین‌المللی و زرسالاران بین‌المللی دشمنند؛ اینها دشمنهای اصلی [هستند].

البته این را هم عرض بکنم که فقط اینها هم دشمن نیستند، علاوه‌ی بر اینها یک دشمن دیگری وجود دارد و او درون خود ما است. خود ما یعنی چه؟ یعنی من، شما، فلان مسئول، فلان جوان. آن دشمن درونی چیست؟ آن دشمن درونی عبارت است از بی‌انگیزگی، ناامیدی، بی‌حالی، بی‌نشاطی، تبلی؛ اینها دشمن ما است. اللهم انی اعوذ بک من الکسل و الهرم و الجبن و البخل و الغفله و القسوه و الفتره و المسکنه؛ اینها دشمنهای ما هستند. اللهم انی اعوذ بک من نفس لا تشیع و من قلب لا یخضع و من دعا لا یسمع و من صلاه لا تنفع؛ اینها دشمنان درونی ما هستند؛ همه را به گردن بیرونی‌ها نمی‌اندازیم. ما هم اگر بد عمل کنیم، اگر به وقت عمل نکنیم، اگر تبلی کنیم، اگر دشمن را اشتباه بگیریم، اگر به جای شیطان اکبر واقعی، یک برادر ناباب یا ناراهی -که حالا برادر ما است، ولو ناباب و ناراه است- شیطان اکبر ما شد، ضربه خواهیم خورد. پس این هم دشمن ما است، حواسمان باشد. وقتی ما می‌گوییم دشمن خارجی، معنایش این نیست که در خودمان هیچ‌گونه نقصی وجود ندارد؛ نه، سیاستهای غلط، سیاستهای بد، رفتارهای بد، اختلافات گوناگون بی‌وجه، تبلی کردن، اقدام نکردن، تنگ‌نظری، اینها دشمنان ما است؛ اینها هم هست.

خب، [وقتی] گفتیم آمریکا، انگلیس، فلان دشمن خارجی، [آیا] همین‌طور شعار میدهیم یا نه؟ من عرض بکنم به شما، شعار نیست؛ این متکی به واقعیات است. خب، از قضایای دنیا ما مطلع میشویم؛ وقتی که فرض کنید وزیر خارجه‌ی خوش‌اخلاق! آمریکا در نامه‌ی وداعیه‌ی خود توصیه میکند به دولت بعدی که به ایران سخت بگیرد، هرچه بتوانید سخت‌گیری کنید، تحریمها را حفظ کنید، نگه دارید، بدانید با سخت‌گیری میشود از ایران امتیاز گرفت کم‌اینکه ما گرفتیم -او میگوید- خب این دشمن است؛ حالا این دشمن، دشمن خندان است؛ یک دشمن بود که می‌آمد صریحاً میگفت که ایران محور شرارت است، او این را صریحاً نمی‌گوید اما رفتار او همین رفتار است. این شد دشمن. پس ما که دائم می‌گوییم دشمن، دشمن، نه این است که می‌خواهیم شعار بدهیم، نه اینکه به قول بعضی آدمهای بی‌انصاف می‌گویند اینها در کار داخلی خودشان درمانده‌اند، ناچارند دشمن بتراشند؛ نه، دشمن تراشی نیست؛ خب دشمن است، چشمش را باز کن تا ببینی؛ ببندی چشمت را، البته نمی‌بینی؛ سرت را داخل برف فروکنی، نمی‌بینی؛ اما سرت را بلند کن، نگاه کن، می‌بینی.

گفتیم انگلیس! انگلیس‌ها مجدداً به خلیج فارس [آمده‌اند]؛ البته ما از یکی دو سال قبل خبر داشتیم؛ شنیده بودیم که اینها بنا دارند دوباره به خلیج فارس بیایند؛ حالا آمدند. می‌آیند اینجا به یک عده از حکام خلیج فارس -که هیچ صمیمیتی هم بینشان نیست؛ این‌جور نیست که خیال کنیم واقعا آنها با این حکام خلیج فارس

صمیمی‌اند؛ نه، می‌خواهند استفاده کنند، میدانند آنها را میشود زیر بار گرفت؛ می‌آیند با آنها این‌جوری حرف می‌زنند- می‌گویند ایران تهدید است! خب، تهدید خود انگلیس‌ها نیست. امروز محافل انگلیسی می‌نشینند برای منطقه و برای ایران اسلامی تصمیم‌گیری میکنند؛ یکی از تصمیم‌هایشان تجزیه‌ی کشورهای منطقه است. این چیزی که عرض میکنم، تحلیل نیست، حدس نیست؛ اینها اطلاعات است. می‌گویند دوران یک عراق، یک سوریه، یک یمن، یک لیبی گذشته؛ یعنی عراق تجزیه بشود، سوریه تجزیه بشود، لیبی تجزیه بشود، یمن تجزیه بشود؛ اسم ایران را نمی‌آورند، چون جرئت نمی‌کنند، می‌ترسند. از افکار عمومی ایران بشدت می‌ترسند و الا همان حرفی را که محمدرضا قبل از رفتن گفت که «اگر ما برویم، ایران میشود ایرانستان»- منظورش این بود که مثل افغانستان، مثل ترکمنستان، مثل ماندن اینها، اینجا هم یک قسمتی به نام ایرانستان میماند، بقیه هم تقسیم میشود بین دولتهای متفرق- اینها [هم] می‌خواهند همان حرف را بزنند؛ در این امید بودند، تلاششان را هم کردند، توی ذهنشان هم خورد لکن در ذهنشان هنوز هست؛ [اما] به زبان نمی‌آورند. خب این دشمن است، [مگر] دشمن شاخ و دم دارد؟ از حالا نشسته‌اند، دارند برای دوران بعد از پایان برجام فکر میکنند که بعد از آن چه محدودیتهایی را بر ایران تحمیل کنیم- که دوران برجام به خیال آنها ده سال، دوازده سال مثلا باید طول بکشد- از حالا دارند فکر آنوقت را میکنند که ما با ایران، آنوقت چه کار کنیم، چه بگوییم، چه‌جوری عمل کنیم که محدودیت ایجاد کنیم. دیگر دشمن از این بدتر؟ از این خبیث‌تر؟ اینکه بنده می‌گویم انگلیس خبیث، این خبیثت اینها است.

یکی از برنامه‌های اینها که تصریح میکنند، آموزش و تسلیح افراد بومی انتخاب‌شده است؛ یعنی [می‌گویند] ما در این کشورها، از جمله در ایران، افرادی از خود ایران را انتخاب میکنیم، با اینها ارتباط برقرار میکنیم، اینها را آموزش میدهم، تجهیزشان میکنیم- امروز هم تجهیز کردن آسان است، اینترنت هست و فضای مجازی هست و ارتباطات گوناگون هست- تا به جان کشور بیفتند، به جان نظام اسلامی بیفتند، به جان ملت بیفتند؛ اینها حرفهایی است که اینها دارند می‌گویند؛ خب این شد دشمن.

این دشمن را بایستی شناخت، عرض کردیم، هم دشمن را باید شناخت، هم شیوه‌های دشمنی را. راه‌وسوها و سمت‌وسوهای اینها را که اینها برای دشمنی در نظر گرفته‌اند، [همه] باید بدانند؛ مسئولین هم باید بدانند، مردم هم باید بدانند، جوانهای ما هم باید بدانند، کارگرهای ما هم باید بدانند، دانشگاهی‌های ما هم باید بدانند؛ بدانند که هدف دشمن -حالا گاهی در رادیوها و در تشکیلاتشان می‌گویند که هدف ما شخص فلانی است، مثلا فرض کنید علی خامنه‌ای، ولی دروغ می‌گویند- هدفشان ملت ایران است، هدفشان ایران اسلامی است، هدفشان نظام اسلامی است. اگر با فلان زبیدی، با فلان عمری، با فلان دستگاهی و سازمانی هم دشمنی میکنند، به‌خاطر این [است] که احساس میکنند این مثلا سینه سپر کرده، ایستاده؛ باید پس بزنند او را؛

### بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

امروز از همه طرف با انگیزه‌ی دینی مردم دارد دشمنی میشود؛ برای اینکه ایمانها را اول در جوانها و بعد در طبقات گوناگون دیگر به عنوان مختلف، به اشکال مختلف از بین ببرند. این کاری است که دارد امروز به‌وسیله‌ی دشمن انجام میگیرد.

علاوه بر ایمان دینی، معرفت دینی [لازم] است، ایمان دینی باید با معرفت همراه باشد؛ معرفت دینی چیست؟ همین مطلبی که مرحوم مدرس فرمود که «دیانت ما عین سیاست ما است، سیاست ما عین دیانت ما است»- و امام بزرگوار ما هم همین معنا را و همین مفهوم را، هم گفت و هم عملی کرد- این یکی از عناصر اقتدار کشور است. امروز یکی از توصیه‌های اساسی‌ای که هیئتهای اندیشه‌ورز آمریکایی و انگلیسی دور هم می‌نشینند، فکر میکنند، طراحی میکنند، دارند ارائه میدهند و به فعالان مطبوعاتی و رسانه‌ای و اینترنتی و سیاسی و غیره تعلیم میدهند، این است که می‌گویند با دین سیاسی باید مخالفت کرد؛ یعنی تبلیغ جدایی دین از سیاست؛ یعنی جدایی دین از زندگی؛ دین گوشه‌ی مسجد، دین داخل خانه، دین فقط در دل، نه در عمل، که اقتصاد غیر دینی باشد، سیاست غیر دینی باشد، زیر بار دشمن رفتن غیر دینی باشد، با دوست جنگیدن، با دشمن همراه شدن -بر خلاف نص دین- وجود داشته باشد، اما ظاهر هم ظاهر دینی باشد؛ این را می‌خواهند. معرفت دینی یعنی اینکه دین -همه‌ی ادیان؛ ادعای ما این است که همه‌ی ادیان این‌جور هستند، حتی مسیحیت، اما آنکه مسلم و واضح و روشن است، دین اسلام است که پیغمبر اکرم اول‌کاری که بعد از غربت دوران مکه انجام داد، ایجاد حکومت بود و دین را با ریختن در قالب حکومت توانست ترویج بکند- جدای از حکومت نیست. معنای اینکه دینی از حکومت جدا باشد، این است که دین بنشیند دائم نصیحت بکند، دائم حرف بزند و قدرتمندان هم هر کار که دلشان می‌خواهد برخلاف دین و بر ضد دین بکنند؛ هر وقت هم که خواستند یک لگدی به سر اینها بزنند؛ دین غیر سیاسی یعنی این. این را می‌خواهند، این را دنبال میکنند. نخیر، این معرفت باید وجود داشته باشد که دین منفک از سیاست نیست؛ و دشمن دین، از آن دینی می‌ترسد که دولت دارد، قدرت دارد، ارتش دارد، اقتصاد دارد، سیستم مالی دارد، تشکیلات گوناگون اداری دارد؛ از این دین می‌ترسد؛ والا آن دینی که مردم می‌روند و در مسجد عبادت میکنند، خب بکنند، صد سال بکنند؛ پس این هم یک از عوامل [اقتدار کشور]. این را بدانید که عدم انفکاک دین از زندگی و از سیاست و جریان دین در همه‌ی شرایش زندگی جامعه، یک معرفت درست دینی است؛ این باید تحقق پیدا بکند و باید دنبال این بود، والا اسم دین و اسم روحانی‌صفتی ماها و عمامه‌به‌سری ماها و مانند اینها که کاری نمیکند؛ باید حقیقتا حرکت کنیم.

یکی از عوامل قدرت، حرکت سریع علمی است؛ قدرت علمی، حدیث «العلم سلطان» را من مکرر خوانده‌ام. با قدرت علمی ما هم مخالفتند. همان عناصر بومی‌ای که آن انگلیسی خبیث توصیه کرد و تاکید کرد که باید در داخل کشورها اینها را به کار بگیریم و مجهزشان بکنیم، همان عناصر گاهی در دانشگاه‌ها سعی میکنند جوان ما را مایوس کنند، برای اینکه حرکت علمی انجام ندهد؛ اگر با استعداد است، او را کوچ بدهند به طرف خارج؛ [می‌گویند] «آقا! برو فلان‌جا، اینجا مانده‌ای که چه؛ خودت را ضایع میکنی»؛ و پول هم بدهند، پاداش هم بدهند. البته جوانهای مومن ما ایستاده‌اند؛ این را من میتوانم شهادت بدهم. علی‌رغم خبیثتهایی که بعضی از عناصر خودفروخته‌ی دشمن در سطح دانشگاه‌ها و بیرون دانشگاه‌ها انجام میدهند برای اینکه بذر نویدی را بپاشند، جوانهای ما، جوانهای مومن ما ایستاده‌اند. چند روز قبل از این، مدال‌گیران و برجستگان یک دانشگاه برجسته‌ی کشور آمده بودند، جوری حرف می‌زدند که انسان واقعا میبوهت میماند از زیبایی و صحت و اتقان حرف زدن اینها. حالا عرض خواهم کرد که اینها مردم ما را نشانخته‌اند اما توطئه‌هایشان را باید شناخت. یکی از راه‌های مقاوم کردن کشور عبارت است از حرکت علمی، که نه باید متوقف بشود، نه باید شتاب آن کاهش پیدا بکند.

یکی مسئله‌ی دیگر، پیشرفت اقتصادی و حل مشکلات مردم است. یکی از اهداف آنها از این تحریمها همین است که مردم را از نظام جدا کنند؛ مردم دچار مشکلات باشند؛ بیکاری باشد، رکود باشد، مشکلات گوناگون اقتصادی باشد؛ ما همین‌طور حرف بزنیم، مردم هم دچار مشکلات [باشند]. تحریم میکنند برای اینکه این کارها اتفاق بیفتد و تحریم را هم که بظاهر برمی‌دارند، جوری برمی‌دارند که این مشکلات برطرف نشود. ما باید در مقابل چه کار کنیم؟ پادزهر ما این است که ما کاری کنیم که اقتصاد، اقتصاد قوی، مقاوم و پایدار [بشود]، یعنی همان «اقتصاد مقاومتی» که بارها گفته‌ایم و گفته‌ایم و گفته‌ایم. این هم از عوامل اقتدار کشور است. کشوری که اقتصاد قوی داشته باشد، پولش هم ارزش پیدا میکند، مسئولینش هم ارزش پیدا میکنند، مردمش هم اعتبار پیدا میکنند و دیگر نمیشود بر اینها تحمیل کرد. بارها گفته‌ایم که باید خودمان را از این مکیدن نفت و وابسته بودن به نفت بتدریج جدا کنیم و این را باید بتدریج کم کنیم. سیاست نفت و بالا پایین شدن نفت، دست دیگران است؛ نفت مال ما است اما اختیارش دست دیگران است. باید بتوانیم اقتصاد کشور را مقاوم کنیم، جوری کنیم [که آن را] استحکام ببخشیم. این یکی از عوامل اقتدار است.

حفظ عزت ملی در مذاکرات بین‌المللی، در رفت‌وآمدها، زیر بار زور نرفتن، عزت ملی را حفظ کردن، یکی از عوامل اقتدار کشور است. در آن جلسه‌ای که ما نشسته‌ایم و داریم با طرف مقابلان حرف می‌زنیم، او نگاه میکند ببیند روحیه‌ی ما چه‌جوری است، انگیزه‌ی ما چه‌قدر است، همت ما چه‌قدر است؛ بر اساس آن برآوردی که میکند، با ما رفتار خواهد کرد. باید عزت ملت را، عزت کشور را حفظ کنیم؛ [آنوقت] مردم هم احساس عزت میکنند؛ این میشود توانمندی و مایه‌ی اقتدار کشور.

خب، اگر چنانچه حقیقتا این وسایل مقاومت را شناختیم، سمت و سوی کار دشمن را شناختیم، آنوقت در مقابل دشمن میتوانیم برنامه‌ریزی کنیم، نقشه بکشیم، همین عوامل اقتدار را در خودمان به وجود بیاوریم؛ اگر نشانختیم، گاهی ممکن است به دشمن کمک هم بکنیم. بارها من عرض کرده‌ام، اگر در جبهه‌ی

جنگ سرباز رزمنده خوابش ببرد، بعد از خواب بیدار بشود گیج و ویج، نمیداند چه کار میکند، توپخانه را روشن کند، ممکن است به خودی ضربه بزند. شما اگر ندانی دشمن کدام طرف است، دوست کدام طرف است، توپخانه را که روشن کردی، به جای اینکه به دشمن بخورد، به دوست میخورد؛ بصیرت که لازم است [برای] این است.

دشمن دنبال این است که این عوامل اقتدار ملی را -که بنده عرض کردم- از بین ببرد؛ هدف دشمن این است. ایمان را از بین ببرد، حیا و عفاف را از بین ببرد، پایبندی به مبانی دینی را از بین ببرد، اعتقاد راسخ به حاکمیت دین را از بین ببرد، عزت ملی را مخدوش کند، حرکت علمی را متوقف کند، دستگاه‌ها و مجموعه‌هایی که مظهر اقتدار کشور و اقتدار ملتند، اینها را تضعیف کند. شما می‌بینید به سیاه حمله میشود، به بسیج حمله میشود، به شورای نگهبان حمله میشود، اینها همین است؛ من کاری به این بگومگوهای اخیر بین روسای دو قوه ندارم، اینها چیزهای مهمی نیست، اینها تمام میشود به حول و قوه الهی؛ چیز اهمیت‌داری نیست، دشمن میخواهد این چیزها را بزرگ کند؛ لکن وجود یک قوه قضائیه مستقل و شجاع و قاطع را همه باید قدر بدانند؛ همه باید کمک کنند. بنده، هم از دولتها حمایت میکنم، هم از قوه قضائیه حمایت میکنم، هم از مجلس شورای اسلامی حمایت میکنم -من از همه حمایت میکنم- اما باید دید، آن‌چیزی که میتواند دشمن را در اهداف خودش ناکام کند چیست؟ ما اگر بتوانیم یک دستگاه امنیتی قوی داشته باشیم، یک دستگاه نظامی مردمی مقتدر داشته باشیم، یک حرکت عظیم مردمی به نام بسیج داشته باشیم، یک روحانیت آگاه متوجه به زمان و زمان‌شناس و داخل صحنه داشته باشیم، یک قوه قضائیه مقتدر کامل داشته باشیم، یک دولت برنامه‌ریز دقیق شجاع داشته باشیم؛ اگر این‌چیزها را داشته باشیم، حرکت ملت ایران و حرکت کشور، حرکت موفقی خواهد شد. اینها را باید تامین کرد، دنبال اینها باید بود. هرکدام را که داریم خدا را شکر کنیم و نگوئیم؛ هرکدام را که نداریم تامین کنیم؛ برای خودمان فراهم بکنیم. امروز خوشبختانه حرکت‌های خیلی خوبی هست؛ هم در حوزه علم و فرهنگ -همان‌طور که عرض کردم- [هم در حوزه‌های دیگر]؛ بهترین مدال‌آوران کشور بچه‌های بسیجی‌اند. اینجا من با دانشجوها ملاقات‌های متعددی دارم؛ یک نمونه‌اش همین چند روز قبل از این بود که مدال‌گیران و جوانهای بسیجی دانشگاه شریف آمدند اینجا. ده‌ها مدال، ده‌ها جوان برجسته و نخبه، یک نمونه‌اش بود؛ نمونه‌های فراوان دیگری داریم. جوانهای نخبه، جوانهای فعال، جوانهای زنده، باهوش، دانشگاهی، دانشجو و همچنین در میان اساتید، [افراد] دارای فکر انقلابی، دارای انگیزه انقلابی و عزم انقلابی، این امروز وجود دارد؛ در حوزه فرهنگ هم همین‌جور است، در حوزه هنر هم همین‌جور است، در حوزه سیاست هم همین‌جور است. هرچه میتوانیم بایستی به این جوانهای پرانگیزه، در همه این حوزه‌هایی که اسم آوردیم کمک کنیم.

البته این را قاطعا عرض میکنم که دشمن با همه برنامه‌ریزی‌هایش، مردم ما را نشناخته، ملت ایران را نشناخته؛ اشتباه میکنند. دیدید در سال ۸۸ خطا کردند و آن فتنه را راه انداختند و کار را به جاهایی رساندند که به خیال خودشان جاهای بسیار باریک و حساس و دقیقی بود، [اما] ناگهان حرکت عمومی نهم دی همه را مبهوت کرد. این حرکت نهم دی سال ۸۸ از جنس همان حرکت نوزدهم دی شماها در سال ۵۶ است.

بنابراین همه قشرهای فعال کشور، از روحانیون، دانشگاهیان، مسئولان کشور، مدیران کشور، بخصوص مدیران ارشد کشور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، روشنفکران، نویسندگان، همه وظیفه داریم که عوامل اقتدار را در کشور -که شمردم- تقویت کنیم. آن که ایران را دوست دارد، باید بداند حمله‌ی به ایمان اسلامی جوانان، یک خیانت به ایران است. بعضی‌ها هستند که ایران را دوست دارند، کشور را دوست دارند، [اما] خیلی پایبندی و دلبندی به دین و شریعت و مانند این چیزها ندارند؛ آنها هم باید بدانند که اگر واقعا ایران را دوست دارند، اگر حقیقتا خائن نیستند و دشمن در لباس دوست نیستند، نباید دین را -دین جوانان را، ایمان جوانان را- تضعیف کنند. آن که ایمان جوانان را تضعیف میکند، دارد به کشور خیانت میکند؛ نه فقط به دین. این عوامل اقتدار کشور و ملت باید از سوی همه این اقشار تقویت بشود، حفظ بشود، دنبال بشود.

و خوشبختانه امروز یک مجموعه عظیمی این وظیفه را دارند انجام میدهند و بعد از این هم بیشتر خواهد شد. درس امروز من و شما از حادثه‌ی نوزدهم دی این باشد که بدانیم باید دشمن را شناخت، شیوه و سمت‌وسوی کار دشمن را دانست و بهنگام، بوقت با هر وسیله‌ای که در اختیار من و شما هست، در مقابل او باید ایستاد. اگر این کار را کردیم، بدانید دشمنان جهانی و بین‌المللی ما -همان‌هایی که گفتم؛ از آمریکا و انگلیس و صهیونیسم و کمپانی‌های بین‌المللی و زرسالاران بین‌المللی و دشمنان عنود- در مقابل ملت ایران هیچ غلطی نخواهند توانست بکنند.

### بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) / ۱۳۹۷/۰۴/۰۹

سه جریان معارض از روز اول انقلاب در مقابله با انقلاب اسلامی و حرکت امام بزرگوارمان پیدا شدند: یک جریان، جریان به اصطلاح لیبرال متمایل به غرب و آمریکا و دلبسته آمریکا و غرب بودند؛ یک جریان، کمونیست‌های اسلحه به دستی بودند که از هیچ چیز ابا نداشتند و پرهیز نمیکردند؛ یک جریان دیگر، منافقینی بودند با ظاهر اسلامی و باطن خبث کفر و بی‌هویت که حتی حاضر شدند برون زیر پرچم صدام بدانام سینه بزنند و آنجا بایستند و [از او] استفاده کنند. اینها سه جریان اساسی بودند در این کشور؛ هر سه جریان مغلوب و منکوب انقلاب اسلامی شدند و حالا با تملق به قدرتها، با خیرچینی و دادن خدمات جاسوسی به دولتهای امثال فرانسه و انگلیس و آمریکا و مانند اینها، در زیر سایه آنها استفاده میکنند. یک جریان هم البته جریان متحجر و مرتجع داخلی بود که آن هم به نوع دیگری در مقابل انقلاب و در مقابل حرکت انقلاب می‌ایستادند و مزاحمت میکردند که آنها البته خیلی قابل ذکر و قابل توجه نبودند و ملت از آنها عبور کرد؛ جریان مزاحم ارتجاع و تحجر و دین‌تراشی. جمهوری اسلامی به کمک ملت، با ابتکار و قدرت جوانان این ملت، توانست آن دشمنان خارجی و این دشمنان داخلی را به عقب‌نشینی وادار کند و آنها نه فقط نتوانند به جمهوری اسلامی آسیب برسانند بلکه نتوانند جلوی پیشرفت جمهوری اسلامی را بگیرند.

### بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران / ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است.

